

نابوه باه جنگ ؛  
هرگ برخه مینسی  
زنده باه صلح و آزادی

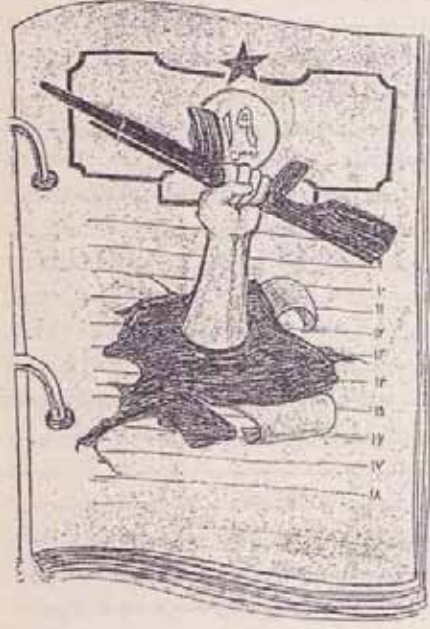
# نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

دوره چهارم - سال سوم  
بهمن ماه ۶۶ - شماره ۴۴

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
پیرو برنامه (هویت)

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال



## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) بهمناسبت ۱۹ بهمن رستاخیز سیاهکل ۲۲ بهمن انقلاب پرشکوه خلق و روزهای پرشکوه ماه بهمن، سرخ ترین ماه آرمان و شهادت

هم نهبان مبارز و مقاوم  
نیروهای انقلابی مقاومت،  
خانوادههای شهدا و اسرای خلق  
رفقای فدایی،

در آغاز هجدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل، نقطه عطف در جنبش کمونیستی ایران و نیز در آغاز دهمین سالروز قیام پر شکوه خلقهای ایران، به همه مردم ایران، به نیروهای انقلابی مقاومت، به خانواده شهدا و اسرای خلق، به کارگران پیشرو و رفقای فدایی، درود می فرستیم. یاد شهدای قهرمان خلق را گرامی میداریم و به همه رزمندگان راه آزادی، صلح و سوسیالیسم درود می فرستیم.  
در صفحه ۲

## فوز از برای پیروان پیوستن به جبهه

در صفحه ۱۱

## رژیم خمینی و انتخاب کارگر نمونه

پدیده آوردن شکاف در صفوف آنان را نیز دنبال میکند صرف نظر از چگونگی حملههای این جنبشی بورژوازی که نقش زیادی هم در به تاخیر افکندن مبارزه طبقاتی کارگر ندارد، نکته دیگری که این بحث قصد برداختن به آن را دارد، چگونگی برخورد رژیم خمینی با این مسئله است.  
معمولاً در کشورهای سرمایه داری کلاس کارگران تبلیغات بورژوازی برای انتخاب کارگر نمونه از تمام وسائل مادی سازی همچون "رای آزاد کارگران"، "مجراهای انتخاباتی کارگری" در صفحه ۹

انتخاب کارگر نمونه در نظام های سرمایه داری معرکمی مشخصی است که از آن برای تبلیغ آشتی طبقاتی، احترام به قوانین و مقررات بورژوازی و سر آخر بازده و کار بیشتر استفاده میشود.  
الگوی تراشی برای کارگران یکی دیگر از مجموعه تبلیغات روانی بورژوازی می باشد که در صدر اهداف خود دنبال ترسیم خط و مرزهایی است که کارگر "بائی" را از کارگر "سر بزر" متمایز کند و مضرات اولی و فوائد دومی را به انبوه کارگران خاطر نشان سازد. پیدایش یک لایه برده در طبقه کارگر، نتیجهی چنین ساستی است که در عین حال

## حزب الله در گرداب تضادها

تضاد میان " حزب الله " بر کسی پوشیده نیست. رویدادهای چند ماه گذشته عمق این بحران را بارزتر کرده است. با نزدیک شدن انتخابات دوره سوم مجلس ارتجاع، تضاد و کشمکش در میان سران رژیم و در مجلس هر روز شدت بیشتری میگیرد. وجود این تضاد در میان گرههای گرسنه را از زبان خودشان بشنویم: روزنامه جمهوری اسلامی (۲۶ خرداد ۶۶) در مقاله ای با عنوان " مبارزه با جناح بندی ضرورت کنونی مقطع انقلاب " جناح بندی را بیماری عده ای از مسئولان پابین و مشتی از اطرافیان ناسیده و چنین می نویسد: " تصمیم گیرندگان اصلی انقلاب باید، بدون ملاحظه این میکروسبهای ناقل بیماری خطرناک جناح بندی ها را قلع و قمع کنند و ریشه آنها را بختکانند. در هر جا و هر پست و مقام و هر لایسی که باشند. " در صفحه ۲

## گسترش حرکات اعتراضی مردم فلسطین در سرزمینهای اشغالی

در صفحه ۳

## در این شماره:

- \* گراسی باه روز ۲ بهمن سالروز جمهوری خود مختار کوردستان
- \* نگاهی به آئین نامه اعزام دانشجویان به جبهه
- \* اخبار و رویدادها
- \* مطبوعات خارجی

## انقلاب بهمن و جریان بیشتر فدائی

مهدی سامع

به نقل از "راه آزادی" نشریه جمعیت دفاع از مکراسی و استقلال ایران (داد)  
شماره های ۲۱ و ۲۲ - بهمن و اسفند ۱۳۶۵  
در صفحه ۱۰

## دیدار مسئول شورای ملی مقاومت ایران با رئیس جمهور عراق

در صفحه ۳

## محکومیت جدید رژیم خمینی توسط مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد

در صفحه ۲

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی



## بیانیه

## سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

از صفحه ۱

## حزب الله در گرداب تضادها

از صفحه ۱

هفده سال قبل، در شرایط اختناق و دیکتاتوری "آریاسپهری"، در شرایطی که شاه، این مزدور و زانساندارم امیرالایم در منطقه با سرکوب تمامی مبارزات خلق، به اربابانش مزده "جزیره ثبات" را میداد، در شرایطی که شاه و مزدورانش میگفتند که "حرکت سرد در این وادی خاموش و سبانه"، رزمندگان دلیر فدایی و پیشتازان قهرمان جنبش انقلابی، پرچم مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم شاه را برافراشتند و به "قلب ستم شلیک کردند" و با شلیک گلوله هایشان اعلام نمودند که "آنکه میگفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سبانه، برود شرم کند" - پیشتازان دلیر فدایی، با حمله به پاسگاه زاندارمری ضد خلقی رژیم شاه در سبانهکل، مشغول فریزان مبارزه انقلابی را اعلام کرده و با رزم دلاورانه خود، بر مکتب تسلیم و زبونی، خط بطلان کشیدند و در این راه پر شکوه خون بر جسته ترین چهره های جنبش انقلابی و کمونیستی ایران بر زمین ریخته شده، جنبشی که با حمله به سبانهکل آغاز شد، یک امر تضادفی و با به آنگونه که اپورتونیست های بی عمل از نوع توده ایهای خائن و با "راه کارگری های" منفعل مدعی میشوند، یک عمل "روشنگران اراده گرا" نبود - جنبش انقلابی مسلحانه که با رستاخیز سبانهکل آغاز شد، یک ضرورت اجتناب ناپذیر و پاسخ انقلابی به شرایط اختناق و دیکتاتوری شاه بود، این جنبش با درس گیری از تاریخ پرفراز و نشیب جنبش کمونیستی ایران، بر سیاستهای انفعالی تسلیم طلبانه و زیبنانه غلبه کرد - در این باره در مقدمه برنامه سازمان، آمده است: "جنبش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است - این جنبش از شکل گیری اولین هسته های سوسیالیست - دیکراسی تا امروز راهی سخت و دشوار را پشت سر گذرانده است - در مسیر این راه سخت و طولانی اگر بی عملی، تسلیم طلبی و خیانت رهبران حزب توده در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یک نقطه عطف منفی و آغاز یک شکست استراتژیک مشخص میشود، حیات، شجاعت و اعتقاد به راه پر شکوه مبارزه برای رهایی از قید هر گونه ستم و استثمار توسط مارکسیست - لنینیست های انقلابی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به عنوان یک تولد نویسن و آغاز پروسه ای جدید در جنبش کمونیستی ایران مشخص میشود - چریک های فدایی کبیر و ارزنده ای همچون رفقای شهید علی اکبر صفائی فراهانی، مسعود احمد زاده، امیر پرویز پویان، اسکندر صادقی نژاد، عباس مغانی و رهبر و فرماندهی شهید ما خید اشرف با خون خود تمام آلودگی ها، زدالت ها و عوارض منفی خیانت های حزب توده را پاک نمودند و جنبشی با اصالت، عمیق و وضوح پایبندگاری کردند - جرقه ای که در سبانهکل روشن شد و بدنبال آن عملیات انقلابی پیشگامان جنبش انقلابی ایران به پشت رفرمیست ها و اپورتونیست ها نیست ها را باز نمود - اپورتونیست ها بی عملی حسابگرانه خود را با تئوری های اصلاحی توجیه و با درازگویی و برمدعاشی نیروهای جنبش کمونیستی را به گمراهی سوق میدادند - مبارزه مسلحانه پیشگامان انقلابی راه را بر این مدعیان دروغین مارکسیست - لنینیست سدود نمود"

تولد سازمان پیشتاز فدایی در جنبش کمونیستی ایران و برافراشتن رزم مسلحانه انقلابی دیوارهای دروغ جبل و فریب توده ایها را که اپورتونیسم و خیانت پیشگی خود را با نشوریهای "صبر و انتظار" توجیه میکردند در هم فرو ریخت و در مقابل بن بست رسیدگان و شاگردان مکتب تسلیم و زبونی، پرواز را نشان داد و چنین بود که "زنگ خون بصد در آمد و طوفان شکوفه داد" و تمام مدعیان و عوامربان سر در زانو در کنجی نشستند و در انتظار ضربه زدن به این نهال بالنده روزشماری میکردند - در آن شرایط سخت و خفقان که اپورتونیست ها در لانه های تنگ و تاریک خود، به زندگی انگل وار ادامه میدادند، پیشتازان فدایی با صدای رسا اعلام میکردند که: "اگر خون قادر به بیداری خلق است، بگذار از خون ما، رودخانه ای خروشان جاری شود" و بدینگونه بر مکتب انفعال، بریدگی و تسلیم پاسخ رد میدادند و گذشت زمان نشان داد که این خونهای پاک، بیهوده بر زمین ریخته نشد، این خونها، بذر آگاهی را آبیاری نمود و شکفتن شکوفه های آزادی خلق ما را نویسد داد - و بدینسان است که امروز هزاران رزمنده دلیر انقلابی به صدای آنان پاسخ میدهند و با دستان توانای خود اسلحه آنان را بر میگیرند، و پیکار برای رهایی و علیه امیرالایم، ارتجاع و استثمار ادامه میدادند و مسیح رهایی نزدیک میشود.

هم میهمان مبارز، رزمندگان دلیر راه آزادی، رفقای فدایی، ۷ سال پس از رستاخیز سبانهکل، در شرایطی که جنبش انقلابی خلق، در عالیترین شکل آن، بسعت یک تمام عمومی پیش میرفت، و در شرایطی که توده ها فریاد میزدند، "رهبران ما را مسلح کنید"، "وای به روزی که مسلح شویم" و "ایران را سراسر سبانهکل میکنیم"، بعلت فقدان سازمان و رهبری انقلابی در جنبش خلق، خمینی بمشابه نماینده جریان تاریخاً ارتجاعی در جنبش خلق، در سازش با امیرالایم و بورژوازی قدرت را در دست گرفت - اصلاح خمینی، همچون شیخ ارتجاعی فضل الله نوری و آخوند ارتجاعی کاشانی در زمان خود، از دشمنان سوگند خورده هر جنبش ترقیخواهانه بوده و بارها به جنبش مردم ضربه زده بودند - اما خمینی در یک شرایط ویژه با داشتن دستگاه روحانیت معتقد به ولایت فقیه، بر موج جنبش انقلابی توده ها سوار شد و با حیللهای آخوندی، اختیار جنبش را در دست گرفت و سرانجام با کسب قدرت سیاسی، در مقابل انقلاب مردم ایران فرار گرفت.

اما از جنبه دیگر، انقلاب ۲۲ بهمن سال ۵۷، یک چرخش بزرگ در زندگی سیاسی و مبارزه طبقاتی جامعه ایران ایجاد نمود - این چرخش بزرگ همانند هر رویداد بزرگ تاریخی، تمامی آنچه در جامعه خفته و آرام است به جنبش واداشت و جریانات ایدئولوژیک، سیاسی طبقات و اقشار مختلف اجتماعی را بنمایش گذاشت - این چرخش در سازمان ما نیز تاثیرات مهمی بر جای گذاشت - حزب توده بمشابه نماینده اپورتونیسم پوسیده در ایران قرار گرفت.

اما از جنبه دیگر، انقلاب ۲۲ بهمن سال ۵۷، یک چرخش بزرگ در زندگی سیاسی و مبارزه طبقاتی جامعه ایران ایجاد نمود - این چرخش بزرگ همانند هر رویداد بزرگ تاریخی، تمامی آنچه در جامعه خفته و آرام است به جنبش واداشت و جریانات ایدئولوژیک، سیاسی طبقات و اقشار مختلف اجتماعی را بنمایش گذاشت - این چرخش در سازمان ما نیز تاثیرات مهمی بر جای گذاشت - حزب توده بمشابه نماینده اپورتونیسم پوسیده در ایران قرار گرفت.

در صفحه ۵

طبیعی نماینده خمینی در مشهد میگوید: "بنده احساس میکنم یک جریان فکری که به قانون و نظم و ضوابط و مقررات و ثبات سیستم و نظام مستقیم نیست و دل به روحانیت ندارد، مشغول فعالیت است - این را من احساس میکنم در همه جا هم حضور دارد" - (رسالت ۸ تیر ۶۶)

هادی خامنه ای در "جلسات پرست و پاسخ چهارمین کنگره سیاسی اجتماعی اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان" در پاسخ به این سوال که چه عواملی از داخل، رژیم را تهدید میکند، گفت: "جناحی که قمدشان ضربه زدن به انقلاب است میخوانند تفکرات انقلابی در مطبوعات و رسانه های گروهی مطرح بشود تا کم کم افکار انقلابی گسار گذاشته شود، این جناح خوشحالتانه هنوز نتوانسته اند همه روزنامه ها را تحت اختیار خود بگیرند اگر چه رادیو تلویزیون در اختیار آنهاست - هادی خامنه ای در ادامه میگوید: "این اواخر توسط انجمن اسلامی معلمان از ما دعوت شده بود تا در یکی از مساجد تهران صحبتی داشته باشیم، آن شب جناح مقابل پیشماز مسجد را از اقامه نماز منع کردند و به کسیه محل نیز گفتند که صحبتها مسئله دار است نروید" - (کعبان رژیم ۱۷ آبان ۶۶)

در جلسه فوق رسول منتخب نیا از افراد فعال باند رقتجانی در مجلس، نمایندگان مجلس را به سه دسته تقسیم کرد "یک دسته افرادی که دارای بیش بوده و خط امامی هستند - دسته دوم کسانی هستند که آگاهانه فکر دیگری دارند و در مقابل نمایندگان دسته اول با شگردهای خاص خود از تفکراتشان دفاع میکنند و دسته سوم که تعدادشان نیز کم نیست کسانی هستند که دارای بیش عمیق و دیدگاه ثابت و استوار نیستند" - (همانجا)

فاضل همدانی نماینده مجلس ارتجاع از کبوتر آهنگ میگوید: "یکی از مشکلات بزرگ جامعه ما باند بازی و جایگزین شدن روابط بجای ضوابط است - متأسفانه با گذشت زمان این حرکت انحرافی و خطرناک بیشتر میشود" - (همانجا)

از اعتراف آشکار گردانندگان رژیم به وجود "جناح" و "دسته" و "باند" در میان حزب الله آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم تمامی آنها را بازگو کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ میشود و به قول معروف آش آنقدر شور است که آشیر هم بدان معترف است - مساله انتخابات دوره سوم مجلس که در ۱۹ فروردین سال آینده برگزار میشود در حال حاضر کانون نشاء باندهای مختلف درون رژیم است - هر یک از جناحها سعی میکنند به گونه ای نوشته ها و سخنرانی ها و عزل و نصب ها را به انتخابات دوره سوم ربط دهند - علی اکبر محتشمی میگوید: "آنچه که موضوع تغییرات در کادر سیاسی وزارت کشور را در پاره ای اوقات بزرگتر از اندازه خویش جلوه میدهد تلاش و تحریک برخی افراد مغرض و با نا آگاه است که به نحوی بدنبال ارتباط دادن این تغییرات و انتصابات با موضوع انتخابات مجلس و یا تحولاتی

در صفحه ۵



### اخبار و رویدادها...

بمناسبت فرا رسیدن بهمن ماه خونین هواداران سازمان در کشورهای مختلف با تشکیل و شرکت در مجالس گرامیداشت شهدای بهمن ماه خاطره جانبازیها و فداکاریهای قهرمانانی را که در این ماه در مقابل با رژیمهای شاه و خمینی شهادت رسانده اند گرامی داشته و بر عشاق خود سینی بر آدا سه راه آنها تاکید نمودند. در زیرگوشه‌های از ایمن فعالیتها که گزارش آن تاکنون بدست ما رسیده اشاره می‌نماییم.

#### کردستان:

در سالگرد تولد پرافتخار سازمان پیشتاز فدایی و بمنظور بزرگداشت روزهای تاریخی بهمن ماه خونین مراسمی در یکی از پایگاههای سازمان در نوار مرزی غرب کشور با حضور تعدادی از اعضاء و هواداران و دوستان سازمان برگزار گردید. در این مراسم رفیق مهدی سامع‌نماینده و سخنگوی سازمان و همچنین خانواده رفیق شهید، فدایی خلق رشید بزدانه‌نماینده (رفیق سکو) شرکت داشتند. مشروح این مراسم در شماره آینده نبرد خلق به اطلاع خواهد رسید.

#### آلمان:

در روز ۱۸ بهمن ماه رفقای هوادار سازمان در آلمان غربی در مراسمی که بنا به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) بمنظور گرامیداشت خاطره شهدای قهرمان این سازمان در این روز از جمله موسی خلیبانی و اشرف ربیعی برگزار گردید، شرکت کرده و ضمن ابراز همبستگی خود با راه این شهیدان با فراغت پیامی خاطره روزهای خونین بهمن ماه را گرامی داشتند. این پیام با استقبال بی نظیر هموطنان حاضر در مراسم روبرو گردید. در قسمتی از پیام رفقای هوادار آمده است:

" حماسه سباهکل و نیز شهادت اشرف و موسی از آترو شکل گرفت که رویدادهایی از این دست جنبه حماسی خود را از رفح احتیاجات بزرگ اجتماع می نشین از آترو که گویا آنان قصد داشتند به سیر حرکت تاریخ رنگ فردی زنند. حرکت آنان بی‌سازمان آگاهانه و آشکار مطالبات شتمکشانی بود که سلفه سنگین و مرکبار دو رژیم شاه و خمینی را بر سر خود داشته و دارند. آنان با درک ضرورتهای جامعه ودانیه پاسخ مثبت بدناسبا آن روندی را طی نمودند کسه معرفه انسان بمثابه سازنده تاریخ می‌باشد."

### \*\*\*

به گزارش نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، در پی اعتصاب ۸ روزه کارگری ان کشتی سازی خلیج در بندر عباس، رژیم خمینی مجبور به پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران این کارخانه گردید. از تاریخ ۱۰ آذر ماه گذشته کارگران این کارخانه بمنظور دریافت حقوق چهار ماه عقب‌مانده خویش دست از کار کشیده بودند. همچنین به گزارش این نشریه در اوایل آذر ماه

حدود ۱۰۰ نفر از کارگران و کارکنان پایگاه لنگران یکی از بزرگترین پایگاههای گاز خاورمیانه در اعتراض به کمی حقوق و نبودن امکانات رفاهی دست به اعتصاب زدند که در نتیجه آن مسئولین مربوطه در برابر مقاومت کارگران رخنشک به زانو در آمده و مجبور به پذیرش خواستههای کارگران شدند.

#### میدار مسئول شورای ملی مقاومت

##### ایران با رئیس جمهور عراق

در تاریخ یکشنبه ۲۷ دینماه مسئول شورای ملی مقاومت آقای سعود رجوی با رئیس جمهور عراق آقای صدام حسین در کاخ ریاست جمهوری عراق در بغداد دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار اوضاع منطقه مورد گفتگو و تبادل نظر قرار گرفت.

#### محکومیت جدید رژیم خمینی توسط

##### مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد

مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد روز سه شنبه ۶ بهمن ماه گزارشی جدیدی در باره نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی منتشر نمود. این گزارش که براساس تحقیقات آقای رینالدو گالیندو پیل گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در رابطه با ایران داده شده با استناد به اسناد منتشره توسط سازمان مجاهدین خلق ایران و بخصوص لیست اسامی و مشخصات ۱۴۰۲۸ تن از شهدای قهرمان مقاومت مردمی ایران می‌باشد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تا کنون ۶ بار رژیم ضد بشری خمینی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم نموده است. آقای رینالدو گالیندو پیل که مأمور تحقیق در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران بوده و نتوانسته بدلیل مخالفت رژیم خمینی خود شخصا به ایران سفر کند، گفت در ماه نوامبر گذشته لیستی را که توسط سازمان مجاهدین خلق تهیه شده و شامل اسامی و اطلاعات مربوط به این ۱۴۰۲۸ نفر می‌باشد دریافت کرده است. از این مجموعه اسامی ۲۰۰۰ نفر هرگز اعلام نشده است.

#### گسترش حرکات اعتراضی مردم

##### فلسطین در سرزمینهای اشغالی

مقاومت پر شکوه و دامنه دار مردم فلسطین در سرزمینهای اشغالی همچنان در حال گسترش رواج گیری می‌باشد. رژیم اسرائیل با بکار بردن انواع سرکوب وحشیانه و با استفاده از زور و تهدید و با به خون کشاندن تظاهرات اعتراضی مردم قهرمان و بجان آمده فلسطین به مقابله با این حرکات برخاسته است. پاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که مردم فلسطین تصمیم دارند تا پایان اشغال سرزمینهایشان از یوغ ستم اسرائیل به مقاومت خود ادامه دهند. این مقاومت خونین و قهرمانانه با حمایت گسترده و همبستگی جهانیان روبرو گردیده و دولت های مختلف دنیا و همچنین افکار عمومی جهان اعمال سرکوبگرانه اسرائیل را محکوم نموده‌اند. در شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در محکومیت اعمال سرکوب توسط اسرائیل مسافدر گردید. مردم دنیا ضمن حمایت معنوی و مساعده در کشورهای مختلف به تظاهرات علیه اسرائیل دست زدند. در داخل اسرائیل نیز تظاهراتی به طرفداری از مقاومت فلسطین برگزار گردید. گزارشهای مختلفی از حرکات اعتراضی مردم فلسطین میرسد. در تاریخ اول بهمن ماه کسه فلسطینی مقیم بیت المقدس و کرانه باختری رود اردن و نوار غزه همچنان به اعتصاب خود ادامه داده‌اند. در تاریخ ۳ بهمن در شهر ناصره راهپیمایی بزرگی توسط فلسطینیان مقیم این شهر برگزار گردید. در تاریخ ۲ بهمن در شهر رام الله تظاهرات مردم فلسطین توسط نیروهای ارتش اسرائیل به خاک و خون کشیده شد. بدنبال این حرکات اعتراضات بین العیلبی در سطح بسیار وسیع نسبت به اقدامات اسرائیل آغاز گردید.

میخائیل گورباچف رهبر شوروی در پیامی کسه برای پاسر عرفات فرستاد، ضمن تاکید بر اینکه سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی مردم فلسطین است از مقاومت مردم فلسطین پشتیبانی کرده، به گزارش خبرگزاریها در روز ۲۸ دینماه باب ژان پل دوم در دیدار از انجمن روزنامه نگاران خارجی در شهر رم اعمال پلیس اسرائیل در سرکوب مردم فلسطین در مسجد الاقصی را محکوم کرد.

### \*\*\*

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی رژیم خمینی در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت در تاریخ ۳ بهمن بصورت تلویحی لاش کرد که قرار است کمیسویی به سرپرستی خمینی و به دستور وی جهت کنترل تصمیم گیریهای شورای نگهبان تشکیل شود. این تصمیم کسه از اوج گیری و به بن بست رسیدن تضادهای درونی رژیم حکایت دارد. آخرین ترنند خمینی بمنظور کنترل اوضاع و شرایط است. بدین ترتیب خمینی در صدد حذف کامل شورای نگهبان رژیم برآمده و می‌خواهد خود شخصا بر کلیه امور حاکم مطلق العنان گردد. مسلما این کار نیز بندهای دیگری بر تضادهای درونی رژیم پوسیده خمینی اضافه کرده و عمر این رژیم شکنج را کوتاهتر می‌نماید.

در این ماه "دفترهای آزادی" وابسته به جبهه دموکراتیک ملی ایران ویژه مسائل بین العیلبی تحت عنوان "در شوروی چه می‌گذرد؟" با گسرد آوری و ترجمه آقای دکتر کریم قسیم عضو شورای ملی مقاومت ایران منتشر گردید. این مجموعه که شامل مصاحبهها و گفتارهای مختلف از جنبهها و دیدگاههای کوبانگون و از زبان نمایندگان جریانهای مختلف چریبی و غیرچریبی، مخالف و موافق میباشد، از نظر ما میتواند به آگاهی عمومی در رابطه با این تحولات کسه نماید. ما بعنوان سازمانی که این تحولات را مورد توجه قرار داده و جنبه‌های مثبت آنها بسیار پر اهمیت تلقی می‌نماییم، مطالعه این مجموعه را در رابطه با تحولات جدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مفید دانسته و خواندن آنها توصیه می‌نماییم.

دفترهای

# آزادی

مجاهدین خلق ایران

## در شوروی چه می‌گذرد؟

در باره کلاسنوت و پرستونکا

تعداد کمی از این کتابها در دسترس است

برای اطلاع از این کتابها و نحوه سفارش آنها با ما تماس بگیرید

وزنه: مسائل بین العیلبی  
موسوم: دی ماه ۱۳۶۶



### انقلاب بهمن و جوانان بیشتر فدائی

باغت و در عوض يك فدرالیسم نظامی گوی همراه بسا  
برخورد های فلسفی رشد کرد . سیمترین کمبود سازمان  
طی این دوران تا نیمه اول سال ۵۷ عبارت بود از :  
الف - شرایط سیاسی جامعه در حال تغییر نبود .  
جناح کارتر در آمریکا ، برای حفظ منافع دراز مدت  
جناح خود در کشورهای تحت سلطه ، دست به اقدامات  
نی زده بود . یکی از این اقدامات که طیما در چهار  
جوب حفظ سیستمهای موجود بود ، تغییرات در فضای  
سیاسی و دادن بعضی آزادیها به احزاب اپوزیسیون  
کشورهای تحت سلطه بود . در اینجا توجه به دو نکته  
ضروری بود : اول این که سیاست کارتر ، تنها در  
چهار جوب حفظ منافع امپریالیسم طرح ریزی شده بود .  
نکته دوم این که با توجه به نکته اول ، اما بیست  
مجموعه تفاهدهای عینی در جامعه ما ، و با توجه به  
عملیات انفجاری این گونه جوامع ( و بطور اخص جامعه  
ما ) هر گونه " فضای باز سیاسی " به سرعت به یک  
جنبش وسیع تبدیل میشد ، که دینیم چنین شد . در آن  
شرایط سازمان ما به علت پایین بودن کیفیت رهبری  
اش و نیز بعضی گریبویچهایی " شوریک " نتوانست  
به این مسئله برخورد خلاق نماید . بسیاری بودند که  
بیش از آن که به فکر استفاده از شرایط جدید برای  
سرنگونی رژیم شاه باشند ، به فکر حمله به سیاست  
کارتر و تحلیل " شوریک " این رویکرد و " مشرات " آن  
بودند . ریشه این انحراف در عدم درک جندی  
و عمیق تضاد عمده جامعه ما بود . و این خود نشان  
داد که پذیرش رسمی نظرات رفیق جزئی کافی نبوده  
بلکه درک عمیق آن ضروری بوده است . همین عدم  
درک نتیجه عمده ، ناشی از یک انحراف اصولی دیگر  
بود ، و آن این که مسئولین آن موقع سازمان ، رسالت  
خود را رهبری مبارزه تودهها برای کسب قدرت سیاسی  
یمنی دانستند ، کسب قدرت سیاسی برای مسئولین  
آنموقع سازمان ، نه یک امر مشخص ، بلکه یک امر  
کلی و تاریخی و تئوریک بود .

هیچ يك از نیروهای سیاسی در آنموقع ( بجز خمینی )  
نمی توانستند چنین نیرویی را مستقلا به خیابان  
کشند . دیگر نیروهای مدنی ماركسیسم - لنینیسم  
که اصلا قادر نبودند ، چند صد نفر را هم مستقلا  
بسج کنند . همه مدعیان ماركسیسم - لنینیسم خود  
را به نحوی به سازمان چسباندند بودند . از این جهت  
است که من با این بینگاه که معتقد است ، سازمان  
فدایی يك جریان روشنگری بوده ، فاقد پتانسیل  
ایدئولوژیک مردمی برای تبدیل شدن به يك جریان  
نیرومند بود ، موافق نیستم . نقطه ضعف سازمان  
فدایی در آن موقع ، فقدان رهبری قدرتمند سیاسی  
برای کانالیزه کردن نیروهایش و تحلیل شرایط در  
حال تغییر بود . در این شرایط سازمان به استقبال  
قیام زفت ، تودههایی که اصلا حامی در جنبش  
پیکارها در کارخانهها مست نشسته بودند و از  
اگونومیستی ترین خط سعی دفاع می کردند ، بگذره  
نیروهای مدعی سوسیالیسم ، خواه نا خواه بدنیال  
سازمان بودند . وقتی روز ۲۲ بهمن رادیو ایران تحت  
عنوان صدای انقلاب ، اعلام موجودیت کرد ، از فدائیان  
و مجاهدین صحبت کرد ، می توان تصور کرد که اگر  
سازمان دارای يك رهبری سیاسی قدرتمند نبود  
و نتوانست بود شرایط تغییر یافته را به سرعت  
درک و در مقابل آن واکنش درست نشان دهد ، چه  
نیروی عظیم تری را بسج و متشکل می کرد . اشتباهات  
سازمان ، يك سری اشتباهات اجتناب ناپذیر نبود  
چرا که بسیاری از مسائل که بعدا پیش آمد ، رفیق  
جزئی در حیات خود پیش بینی کرده بود . و در مقابل  
سازمان پیشنهاد مشخصی قرار داده بود که اگر سه  
ان حتی از جنبه تاکتیکی توجه می شد ، راه بسیاری  
جبران خطاهای بعدی باز میشد . با وجود این که  
سازمان با نقاط ضعف بسیار در قیام شرکت کرد ، اما

اولا تنها نیروی ماركسیستی - لنینیستی بود که  
واقعا در قیام شرکت می کرد و در ثانی اعتماد بسیاری  
از مردم را جلب کرده بود . این اعتماد اساسا محصول  
مبارزه بی امان چریکهای فدایی طی سالهای ۴۹ تا  
۵۷ بود . زیرا مردم بطور عینی دیده بودند که چه  
کسانی واقعا علیه رژیم حیار شاه ایستادگی کردند  
و جان باختند . تراژدی این بود که آنچه بر سر  
انقلاب آمد ، بر سر سازمان فدایی هم آمد . خمینی  
بر موج جنبش تودمی سوار شد و از تودههای انقلابی  
به سود کسب قدرت خودش استفاده کرد و اکثریتها  
بیز از جریان فدایی . این البته يك درس مهم برای  
انقلابیون به همراه دارد . آن رهبری سیاسی واقعا  
انقلابی است و میتواند مسائل انقلاب را بهتر درک  
کند ، که در پروسه حل مسائل انقلاب واقعا پیشگام  
باشد و عمیق ترین درک را با شور انگیزترین احیای  
به نمایش گذارد . این طبیعا نه يك روزه بوجود می آید  
و نه امری است که اساسا با تئوری ، اشن نامسه  
و ضوابط بوجود آید . این امر محصول يك پروسه  
انقلابی و کار پراتیک برای حل مسائل انقلاب است .  
انقلابی که نه در خلا ، بلکه در يك جامعه مشخص  
با خصوصیات عینی صورت می گیرد . آیا جنبش  
کمونیستی ایران ، میتواند بر ضعفهای گذشته غلبه  
کند ؟ پاسخ به این سوال تنها به " اراده " نیروهای  
متشکله این جنبش بستگی ندارد . برای پاسخ روشن  
ابتدا باید نقاط ضعف عمیقا درک شود . وضعیت  
کنونی اکثریت وسیع نیروهای مدعی ماركسیسم  
لنینیسم ، متأسفانه نشان می دهد که با چنین برخورد  
خلاق بسیار فاصله دارند . در این صورت معلوم میشود  
که در سبای انقلاب بهمن عمیقا درک نشده ، طبیعا  
کسانی که این گونه با واقعبات بیگانه باشند ، در  
انقلاب آتی وضعی اسفناک خواهند داشت ، این طبیعا  
ببود جنبش خلق و انقلاب تودهها مست .  
اسفند ۶۵

### قربانیان جنگ فقط از يك محرمه

کمیته ۲۲ آبان ۶۶

اولادین این قهرمانان را در مراسم ۲۲ آبان ۶۶

شهید دود صالحی  
شهید پرویز حرمشیرازی  
شهید ابوالفضل سروی  
شهید آکاسی سعیدی  
شهید حیدر مرادزاده  
شهید علیرضا حیدر  
شهید محمد رضا لنگرودی  
شهید حمزه رضا لاری

### گرامی باد

۱۹ بهمن رستاخیز سياهگل ،

تولد جنبش نوین کمونیستی

توضیح : این تراکت توسط رفقای سازمان در تهران ،  
واحد شهید منصور اسکندری در مناطق نظام آباد  
سیلان ، رسالت و آریاشهر و تهران و بلا بخش  
گوریده است .

### سربازان ، جوانان و سوجوانان

### انقلاب و آزادیخواه :

- به هر عنوان و به هر وسیله ای که بتوانید خود را از دام شکر براهید
- و بر مقاومت خود در برابر آن خواهی و درغای کی رژیم بینوا بنید
- از رفتن به سربازی خودداری کنید و بایست ستن به صفوف شورای عس
- مقاومت و نیروهای فکشل در آن خویش را برای وارد آوردن تشریبه
- نهایی بر بیشتر قوت رژیم آماده سازید .

فرمانده : بهمن رستاخیز  
رئیس : بهمن رستاخیز  
رئیس : بهمن رستاخیز

# خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای شکست ناپذیر است



بیانیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

از صفحه ۲

جامعه ایران ، دوباره به جنب و جوش افتاد و دستگاه زندگ گرفته خود را دوباره به حرکت انداخت و در شرایطی که مبارزه برای دموکراسی سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها باید به جنبه اصلی مبارزه و فعالیت سازمانهای سیاسی تبدیل می‌شد ، به عوامفریبی به اصطلاح "شد امیرالیستی" خمینی مال و بز داد و با توجیه تئوریک و به اصطلاح "مارکسیستی" این عوامفریبی آخوندی ، را رنگ و لعاب زد . در این شرایط یک جریان خائشانانه به رهبری عنصر فرومایه و خائنی همچون فرخ نگهدار ، راه ارتداد و تسلیم را پیش گرفت و با درس آسوری از عنصر ردالت پیشه‌ای همچون کبائوری ، که خود شاگرد راستین مکتب شیخ فضل الله نوری و خمینی و کاشانسی بود ، نیروهای سازمان ما را به راه خیانت و ضد انقلاب کشاند . فرخ نگهدار خائن که سرانجام در سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد ، کاملاً به ضد انقلاب پیوست در یکی از شماره‌های نشریه اش در مقاله کینه‌توزانه با جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم خمینی نوشت: " جای پای خط امام در حکومت محکم است . اینها تبلیغات امیرالیستی است که می‌گویند رژیم در حال سقوط است . مردم رهبری امام را قبول دارند و محروم ترین اقشار از حکومت دفاع میکنند " ( کار اکثریت شماره ۱۲۸ - اول مهر ۱۳۶۰ )

و بدین ترتیب جریان خائشانانه موسوم به اکثریت ، در جنبه ارتجاع قرار گرفت و ماهیت اپورتونسم ضد انقلابی اش را به نمایش گذاشت . از طرف دیگر جریان اقلیت که از مواضع انقلابی در مقابل رژیم اکثریت دفاع میکرد ، در جریان پیشرفت و انکشاف مبارزه طبقاتی و به سوازت پیشرفت و تعمیق انقلاب ، بشدت از اوضاع و احوال ناامید پذیرفت . شکل‌گیری گروه‌بندیهای سیاسی - ایدئولوژیک در درون اقلیت ، نمیتوانست جدا از تحولات مهمی که در جامعه ما جریان داشت صورت گیرد . مهمترین رویدادی که منجر به شدت گیری نشانه‌های درونی جریان اقلیت گردید ، چرخش تاریخی ۳۰ خرداد سال ۶۰ بود . جریانی که ما آنرا نمایندگی میکردیم ، همچنان بر مواضع اصولی و انقلابی پانشاری می‌کرد و خواستار اتخاذ مشی انقلابی مسلحانه و حمایت از شورای ملی مقاومت که توسط مجاهدین خلق ایجاد و رهبری میشد بود . جریان سکتاریستی درون سازمان علیه



فدایی شهید رفیق مهدی اسحاقی



فدایی شهید رفیق مهدی فراهانی



فدایی شهید رفیق رحیم سعایی

خط اصولی دست به توطئه گری زد و سرانجام این توطئه بوسیله باند کامیابی (توکل) - زهری (بهرام) به کودتا علیه خط اصولی انجامید . از تابستان سال ۶۲ که این اقدام توطئه‌گرانه انجام شد تاکنون ، یک مبارزه حاد سیاسی - ایدئولوژیک بین ما و تمام دسته بندیهای درون این جریان توطئه‌گر انجام شد . در این فاصله ما روز بروز با تاکید بر ميثاق‌های اساسی انقلاب ، با تاکید بر پرنسپ‌های اصلی جریان پیششار فدایی و با اتکاء به مارکسیسم - لنینیسم بمثابة علم انقلاب و رهایی ، رشد کردیم و بر موانعی که بر سر راهمان قرار می‌گرفت غلبه کردیم ، اما جریان منحط اقلیت هر روز پراکنده‌تر ، پرحران‌تر و تکمیل‌تر شد . طی این چهار سال در درون این جریان منحط ، دهها قتل ، خودکشی ، انعام ، توطئه‌گری ، تمغیه خونین ، اتفاق افتاده است . ۴ بهمن سال ۶۲ دسته بندیهای درون سران باند اقلیت به یک کشتار درونی انجامید ، پس از این رویداد جنایتکارانه ، چهره مافیایی باند تبهکار اقلیت در خدمت به رژیم خمینی و ارتجاع جهانی به یک ماجراجوشی ارتجاعی و ضد انقلابی علیه اقامت مسئول شورای ملی مقاومت در فرانسه دست زد و بدین ترتیب سیاستهای ارتجاعی و ضد انقلابی این باند تبهکار تکمیل گردید . حدود یک سال قبل نیز سران باند تبهکار اقلیت به اجزاء خود تجزیه شدند و بدین ترتیب در مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک که بین ما و جریان منحط اقلیت از سال ۶۲ تا کنون جریان داشت ، با پیروزی کامل ما و نیز تلاشی و ابزوله شدن هر چه بیشتر آنان انجامید . اکنون نیز وظیفه خود میدانیم که به اطلاع مردم ایران و تمامی نیروهای سیاسی برسانیم که تمامی باندها و دسته بندیهایی که در جریان کودتا علیه جریان ما شرکت داشتند ، اکنون علیرغم تجزیه به اجزاء ، خود ، به یک زندگی سیاسی انگل وار و پر توطئه ادامه می‌دهند و چه بسا که حوادثی از نوع حادثه جنایتکارانه گاپیلون باز هم تکرار شود .

هم میهنان مبارز ، نیروهای مقاومت انقلابی ، رفقای فدایی

در سالروز رستاخیز سیهاکل ، بازگو کردن حوادثی که طی سالهای گذشته برای سازمان ما پیش آمد ، برای درس آسوری و بکارگیری تجربیات گذشته در جهت پیشرفت کار سازمان مفید است . اگر ما امروز مسممانه اعلام می‌کنیم که افراد فرومایه و خیانت پیشه‌ای همچون فرخ نگهدار که در لجن‌زار رژیم خمینی ، این زباله دان تاریخ ایران ، غرق بودند نمیتوانند خون پیششاران فدایی را به وسیله‌ای برای ارضای منافع سفید و منحط خود تبدیل کنند ، اگر ما امروز مسممانه عناصر تبهکاری همچون حسین زهری (بهرام) و کامیابی (توکل) را افشاء

حزب الله در گرداب تضادها

از صفحه ۲

از این قبیل هستند که گاهی خودشان همزهی وصل این ارتباط از آب در می‌آیند .

بیشترین تضاد و کشمکش میان وزارت کشور و جناح بازار تبلور یافته است . علی اکبر محتشمی از باند رفسنجانی زمانی که وزارت کشور را بدست گرفته است ، سیاست "طرد و حذف" ، "سازمان ای عوامل و پرسنل خاطی ، کارشکن و حسود" را اتخاذ نموده است و تا کنون بیش از ۴۰۰ مهره رژیم از استانداران و فرمانداران و بخشدارها را جابجا یا خلق مسئولیت کرده است که آخرین آن انتصاب سید مرتضی طباطبایی به سرپرستی شهرداری تهران است ، تصفیه جناح مخالف دولت از سوی کار بدستان این جناح در نهادهایی چون کمیته‌های شد خلقی نیز انجام گرفته است ، بطوریکه بعد از برکناری ناطق نوری از وزارت کشور و پس از آنکه سراج الدین موسوی جای "سالك" را گرفت اکثر سرکردگان کمیته‌ها برکنار شده و افراد دیگری بجای آنان گماشته شده‌اند . در جریان عزل و نصب‌هایی که توسط وزارت کشور انجام گرفته عزل و نصب فرمانداران و بخشداران خراسان بیشترین توفاراً برانگیخت ، بطوریکه بعد از این عزل و نصب‌ها جمعی از " ائمه جمعه " استان خراسان طی نامه‌ای به وزیر کشور بخاطر عدم نظرخواهی از آنها به وزارت کشور اعتراض نموده که کلیشه این نامه در روزنامه رسالت ۲ تیرماه چاپ رسیده است .

در بخشی از نامه آمده است: " با توجه به اینکه ائمه جمعه ، نمایندگان حضرت امام محسور وحدت منطقه بوده . . . . این نظر خواهی و هتاهنگی بد نفع انقلاب . . . . مانع دل‌سردی و اختلاف امت حزب الله خواهد بود ، در غیر اینصورت . . . زمینه عدم همکاری ائمه جمعه استان خراسان را بر فرمانداران و بخشداران فراهم نموده‌اید . "

در مقابل قاضی زاده نماینده مجلس ارتجاع ضمن تشکر از انتصاب سرپرست جدید استان خراسان گفت: " باید سیاستهای دولت خدمتگزار در خراسان هم به کار گرفته شود و گروهی غوغاگر که در مقابل اجرای سیاستهای دولت و احکام وزارت کشور گستاخی کرده و مسئولین متعهد استان و ائمه جمعه محتسور را نسبت به عملکرد وزیر کشور بدبین میکنند ، به مردم معرفی و تحت تعقیب قانونی قرار گیرند . "

بدین ترتیب جناح رفسنجانی در جهت قبضه مجلس آینده تعرض خود را به جناح مخالف (بازار) به مثابه اصلی ترین مخالف درون رژیم هر روز شدت می‌بخشد و " بنا را بر حاکمیت دولت " گذاشته‌اند . در این رابطه محتشمی جنایتکار در پاسخ به سوال زائری زاده در مورد تعویض فرماندار بندر عباس می‌گوید: " حالا از وقتی که آمدیم بنا به توصیه‌های حضرت امام . . . بنا را بر حاکمیت دولت در کشور گذاشتیم . دولتی که مورد تاکید حضرت امام است و هر کسی که مخالف دولت باشد ما بدون رودربایستی کنارش می‌گذاریم . " ( رسالت ۳۱ خرداد )

زائری زاده در رد اظهارات محتشمی دلایل دیگری را که سبب برکناری فرماندار شده بود ذکر کرده و می‌گوید: " یکی از معاونین شما به یکی از

در صفحه ۶



## بیانیه

سازمان جریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

از صفحه ۵

می‌کنیم، و اجازه نمی‌دهیم که این عناصر تبهکار بنام "کمونیسم" و "فدایی" سیاست‌های ضد انقلابی خود را پیش ببرند، بخاطر آنست که مرزهای بین خود و آنان را، مرزهای بین مارکسیسم - لنینیسم اصولی که در جامعه ایران از طرف ما نمایندگی میشود و اپورتونیسم، فرمیسم با زور و "چپ" که بوسیله جریان‌سازان انحرافی نمایندگی میشود، هر چه روشن‌تر، صریح‌تر و محکم‌تر بنا کرده‌ایم. ما از گذشته آموخته‌ایم که برای انقلاب کردن باید تئوری انقلابی داشت و برای داشتن تئوری انقلابی، باید واقعیات را در پیرویه تغییر و تحول آن دید و از فرمیسم، ذهنی‌گرایی و اپورتونیسم که در یک دوران انقلابی منجر به خیانت میشود، دوری جست. شرط وفاداری به آرمانهای رفقای شهیدمان، شرط وفاداری به راه پیشتازان دلیر فدایی، آنست که همچنان مستحکم و استوار بر سر مواضع اصولی و انقلابیمان بایستیم و بر میثاقی که با انقلاب و خلق و طبقه کارگر بسته‌ایم باز هم تاکید کنیم.

مردم مقاوم ایران، نیروهای انقلابی مقاومت، خانواده‌های شهید و اسرای خلق، کارگران پیشرو، رفقای فدایی ۹ سال قبل در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، رژیم دیکتاتوری شاه با قیام مسلحانه خلق سرنگون شد، تحت یک سلسله شرایط عینی و ذهنی، خمینی در رهبری جنبش قرار گرفت و با سازش با امپریالیسم و بورژوازی، قدرت را در دست گرفت. طی این ۹ سال کارنامه رژیم خمینی چیزی جز سباهی، کشتار، جنگ، سرکوب، فقر، فحشاء، بی‌خانمانی و آوارگی نیست. وضع اقتصادی مردم، بحدی به وخامت گراشیده که حتی بعضی از مزدوران رژیم هم بدان اعتراف می‌کنند، از نظر سیاسی، تمامی حقوقی که توده‌های مردم در اثر قیام ۲۲ بهمن کسب کردند، توسط رژیم خمینی طی یک پیرویه سرکوب خونین پس گرفته شد، اکنون مدت ۷ سال است که جنگی ارتجاعی و ضد مردمی بر مردم ایران و عراق تحمیل شده و دیگر بر همگان روشن شد، که این رژیم خمینی است که خواستار ادامه جنگ است. سرکوب مبارزه توده‌ها و پیشتازان انقلابی آنها از یکطرف و ادامه جنگ ضد ملی که محصول سیاست ارتجاعی پان اسلامیتی رژیم خمینی است، مردم ایران را به روز سیاه کشانده است. مشخصه اصلی سیاست رژیم خمینی طی ۹ سال حیات تلنگیش، جنگ و سرکوب بوده است. از طرف دیگر رژیم خمینی بمثابه یک رژیم بحران‌زا، با بحران آفرینی و صدور ارتجاع به حیات خود ادامه میدهد و از طرف دیگر این سیاست ارتجاعی، بحران در جامعه را تشدید می‌کند، بحرانی که اکنون در جامعه ما وجود دارد یک بحران تمام‌الانقلابی است. طی یک سال گذشته، تمامی مشخصات این بحران، خود را نشان داد. مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های جامعه ما طی یکسال گذشته بقرار زیر بود:

الف - یکسال قبل در چنین روزهایی، حمله فضاخت بار موسوم به کربلای فخر ایران داشت، مدتی بعد رژیم در این عملیات به شکست سختی دچار شد. این شکست همراه با افشاء ماجرای "ریگان - خمینی - کنترا" و افشاء خرید اسلحه توسط رژیم از اسرائیل، بحران درونی رژیم را هر چه بیشتر تشدید نمود، بنحوی که از آن تاریخ تا کنون رژیم قادر به هیچگونه عملیات موثری در جبهه‌ها، بویژه در جبهه‌های جنوبی نبوده و بهترین عملیات رژیم در جبهه‌های شمالی صورت گرفته که فائد ازرش نظامی بوده است. این شکست‌ها و نیز تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد، ضربه سختی به رژیم خمینی وارد نمود، بنحوی که رژیم برای گرم نگه داشتن تنور جنگ ضد مردمی این مجبور به فشار هر چه بیشتر به مردم تحت عنوان "جهاد مالی" و "جهاد جانی" گردید. رژیم می‌کوشد با حمله‌های مختلف و با اتکاء به سرکوب شدید تنور جنگ ضد ملی اش را گرم نگهدارد تا بتواند مدتی بیشتر بر بحران‌های لاعلاج داخلی اش سرپوش گذاشته و به حیات پر ننگ خود ادامه دهد.

ب - طی یکسال گذشته، تضادهای درونی رژیم، بشدت اوج گرفت. این تضادها بنحوی سابقه‌ای حسدت بافت بنحوی که خمینی مجبور شد بارها به صحنه آمده و در این مورد دخالت کند. در هیچ مقطعی از حیات رژیم خمینی، به اندازه سال گذشته، خمینی در تنگنا و فشار تضادهای درونی رژیمش که انعکاس تضاد توده‌های مردم با این رژیم است، نبوده است. خمینی با تمام ادعاهای "آسمانی" اش، در ۱۶ دیماه امسال مجبور شد، صریحاً به "زمین" برگردد و بگوید همه چیز باید در خدمت "حکومت" او باشد. وی به چیزی که تاکنون عمل میکرد، اعتراف نمود. صدور این فتوا معلوم نمود که "الهیات" و "عرفان" خمینی، چیزی جز حکومت و دیکتاتوری او نیست. این فتوا، ضمن اینکه در بحرانی‌ترین شرایط از طرف خمینی برای حل بحرانها صادر شده است، هیچ‌گه‌ای از بحرانهای لاعلاج رژیم مستبد و مذهبی خمینی را حل نخواهد کرد. ضمناً این فتوا باز هم صحت این حکم علمی را که "شرایط اجتماعی، آگاهی اجتماعی را می‌سازد" را اثبات نمود و معلوم نمود که برای خمینی نیز بر خلاف ادعاهای کاذبش، هر چه هست در "زمین" است و این "منافع" زمینی نه بر

## حزب الله در گرداب تضادها

از صفحه ۵

اژده جمعه پس از توفیق فرماندار کرمان گفت اگر ما بخواهیم در آینده مجلس یکدست داشته باشیم ناچاریم تمام استانداران و فرمانداران را عوض کنیم و آقای محتشمی مشغول این کار است." (رسالت ۳۱ خرداد ۶۶)

در همین رابطه محتشمی در مصاحبه با مجله "یاسار اسلام" که قسمتی از آن در کیهان ۱۷ آبانماه چاپ رسیده می‌گوید: "آنچه که بعنوان سیاست حاکم بر تغییرات کادر سیاسی در سطح کشور اعمال شده، انتخاب افرادی بوده که معتقد به ولایت فقیه، همگام با دولت خدمتگزار، مورد تأیید امام ۷۰۰ و بتوانند به نحو مطلوبی، مجری سیاستهای دولت خدمتگزار در سطح کشور باشند" (کیهان ۱۷ آبان ۶۶)

رسول منتخب نما بعد از اینکه جناح دولت را "خط امامی و مستقل و دارای بینش" معرفی می‌کند می‌گوید: "پس برای مجلس سوم می‌بایست که انسانهای قوی، مستقل و با دیدگاههای عمیق را انتخاب کرد." (کیهان ۱۷ آبان ۶۶)

جناح مخالف دولت یعنی جناح بازار که روزنامه رسالت منعکس کننده دیدگاههای آنان است و نیز افرادی که کاملاً با این جناح نیستند اما در موارد مشخصی چون انتخابات با آنها همسو میشوند، در واکنش به حرکات جناح رفسنجانی از منتهای بی‌شمار هشدار داده و تدابیری نیز دیده‌اند. محمد رضا باهنر نماینده بافت در اردیبهشت ماه سال جاری خطاب به رئیس مجلس ارتجاع می‌گوید: "از آنجا که هنوز به انتخابات دوره سوم شورای اسلامی مدت زیادی باقی است و تبلیغات انتخاباتی از سوی مقامات دولتی و حتی دیگران ممنوع است و از طرفی مدت‌هاست که در اکثر سمینارهای وزارت آموزش و پرورش و پرورش که بصورت کشوری تشکیل میگردد از سوی مسئولین وزارتخانه از جمله وزیر آموزش و پرورش بحث انتخابات و جهت گیری انتخاباتی مطرح می‌گردد، علیهذا به وزیر محترم آموزش و پرورش تذکر دهید از انجام تبلیغات انتخاباتی در جلسات رسمی خودداری نموده و به وظایف اصلی خود یعنی بالا بردن میزان کیفی و کمی آموزش و پرورش در جامعه بپردازد."

در پی مقابله این جناح با جناح دولت رفسنجانی بعد از اینکه "حزب چماق بدستان" و بانسند فائزستی موسوم به مجاهدین انقلاب اسلامی منحل شد، جناح بازار تاسیس "شورای مرکزی انصاف تهران" را اعلام و در همین رابطه عسکر اولادی از سرکردگان بازار گفت: "هستند اشخاصی که تصور میکنند فقط سلیقه خودشان باید در مجلس حاکم باشد و در این زمینه کارهایی انجام داده‌اند... باید جامعه انجمن‌های اسلامی (بازار) خودش را آماده کند تا وظایف خود را در انتخابات اصلاح بتواند انجام دهند."

در این میان منتظری که مدت‌هاست به کناری برتاب شده و آن ضربه محکم (جریان مهدی هاشمی) را از رفسنجانی و مشکینی دریافت نمود عملاً همسویی‌هایی با جناح بازار و دارودسته بازارگان

در صفحه ۷

فدایی شهید  
رفیق فقور حسن پورفدایی شهید  
رفیق هادی ناضلیفدایی شهید  
رفیق احمد فرهودیفدایی شهید  
رفیق جنیل انفرادی

در صفحه ۷

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری



## بیانیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

از صفحه ۶

اساسی "احکام آسمانی" بلکه بر اساس منافع ان جریانات ارتجاعی است که خمینی آنان را نمایندگی میکند و "احکام الهی" نیز در چهارچوب حکومت خمینی معنی و مفهوم دارد. اینکه خمینی اجبارا به این نقطه کشیده شد، بلد گام بزرگ در فروپاشی این رژیم مستبد مذهبی است.

چهار سال گذشته، جنبش مسلحانه انقلابی، پس از یک دوره کار تدارکاتی و بازسازی، به مرحله نوینی از رشد خود رسید. نیروهای رزمنده مجاهد خلق، به درجهای از رشد رسیدند که میبایستی پوسته قدیم بسود شکل جدید شکسته شود و این اقدام با تاسیس ارتش آزادیبخش ملی که توسط هم رزم مجاهد مسعود رجوی اعلام شد، صورت گرفت. عملیات قهرمانانه رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی برگه جدید و پر افتخاری در تاریخ جنبش مسلحانه علیه رژیم خمینی گشود. در این شرایط رژیم خمینی در سازش با دولت دست راستی فرانسسه به نوطهگیری جدیدی علیه مقاومت مسلحانه انقلابی دست بازید و تعدادی از پناهندگان ایرانی (هوادار مجاهدین خلق) را به گابن تبعید نمود. اما این اقدام نیز همانند دیگر اقدامات ارتجاعی رژیم خمینی و حامیان بین المللی اش، در اثر مقاومت قهرمانانه تبعید شدگان و خانوادههای قهرمان آنان در اعصاب و غذایشان، بنحو بیسابقه ای خنثی شد. اکنون دیگر بر همگان روشن است که در صحنه واقعی نبود در جامعه ایران، یک قطب بندی کامل صورت گرفته که در یکطرف آن خمینی و حامیان بین المللی آن و در طرف دیگر مقاومت مسلحانه انقلابی شورای ملی مقاومت و نیروی محوری آن سازمان مجاهدین خلق قرار دارد که سرنوشت



فدایی شهید



فدایی شهید



فدایی شهید



فدایی شهید

رفیق هوشنگ تیری

رفیق عباس دانش پسرادی

رفیق صیف دلیل صفایی

رفیق شماع الله مشهدی

آینده جامعه، در سرنوشت جنگ بین این دو نیرو تعیین خواهد شد. از نظر ما هیچ مضمون این پیرویه نبود انقلاب و مردم بستگی به این دارد که جنبش مقاومت بتواند نیروهای اجتماعی هر چه بیشتری را به صحنه ببرد مسلحانه با رژیم خمینی بکشد. مجموعه بهم پیوسته سه روند یاد شده در بالا، یعنی شکست ماحراجوشی های جنگی خمینی، تشدید تضادهای درونی رژیم و گسترش مبارزه و مقاومت انقلابی در یک رابطه ارگانیک و بهم پیوسته با هم قرار گرفته و در مجموع سبب پیشرفت پیرویه فروپاشی و سرنگونی رژیم خمینی و گسترش انقلاب تودهها خواهد شد.

مردم مبارز ایران، کارگران و زحمتکش

انقلاب پر شکوه شما در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، توسط خمینی و دستگاه ولایت فقیهیی او بر ضد شما تبدیل شد، اما مبارزه برای ایجاد ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک که خواست تمامی تودههای حرکت کننده در انقلاب بود، ادامه یافت. در شرایط کنونی این مبارزه در جنبش انقلابی مسلحانه تجلی یافته است. جنبش انقلابی مسلحانه و نیروهای تشکیل دهنده الرناتیبو دموکراتیک - انقلابی رژیم خمینی، بسیاری از سوانعی را که در مقابل رشد انقلاب قرار داشت، از میان برداشتهاند. پیروزی نهایی نبردی که اکنون در میهن ما علیه رژیم خمینی جریان دارد، دقیقا بستگی به شرکت فعال شما در این مبارزه شکوهمند دارد، آزادی شما، بدست خود شما فراهم میشود. شما خود بخوبی میدانید که رژیم خمینی با میل خود نه فقط هیچگونه اقدامی تودهها انجام نخواهد داد، بلکه هر لحظه علیه منافع شما اقدام خواهد کرد. این رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی را باید برانداخت و صلح و آزادی را در میهن خودمان مستقر نمود و این با شرکت فعال شما در مبارزه مسلحانه علیه این رژیم و ارگانهای سرکوبگر آن میسر است با شعار "صلح و آزادی" بهر شکل ممکن به جنبش انقلابی مسلحانه بپیوندید و با از آن حمایت فعال کنید، سربازان را تشویق به فرار از جبههها ننمائید، بهر شکل ممکن در خطوط جنگی رژیم اخلال ایجاد کنید، از سربازان و پرسنل مردمی ارتش بخواهید که از جبههها فرار کرده و به نیروهای انقلابی بپیوندند. بهر شکل ممکن به این رژیم ارتجاعی ضربه وارد کنید، مبارزات غیر مسلحانه خود را در جهت جنبش مسلحانه علیه رژیم خمینی گنجانید. برای پیشبرد مبارزه خود علیه رژیم خمینی، در هستهها و واحدهای مخفی مقاومت متشکل شوید. انقلاب بهمن و پیروزی مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه نشان داد که هیچ قدرتی نمیتواند در مقابل جنبش انقلابی مردم قرار گیرد. بخاطر بناوردن روزهای پر شکوه بهمن ماه ۵۷ را، شما میتوانید آن روزها را در ابعادی بسی پر شکووتر و عمیق تر تکرار کنید. پیروزی از آن تودههای مسلح، متشکل و بپا خواسته است.

هموطنان، خانوادههای شهیدان و زندانیان سیاسی، نیروهای انقلابی مقاومت، رفقای فدایی،

طی تاریخ جنبش نوین ایران، بهمن ماه، دارای یک ویژگی برجسته است. در این ماه بسیاری از رویدادهای بزرگ میهن ما طی دو دهه اخیر اتفاق افتاده و بسیاری از برجستهترین کادریهای جنبش انقلابی ایران از رستاخیز سیهاکل تا کنون در ماه بهمن شهادت رسیدند، ما باید آنها را گرامی میداریم.

ما یاد رفقای فدایی که در این بهمن ماه خونین شهادت رسیدند را گرامی میداریم. یاد رفیق حمید مومنی

در صفحه ۸

## حزب الله در گرداب تضادها

از صفحه ۶

دارد. منتظری که مرد تحقیر شدن را چشیده خواهان آزادی برای همه جناحها و دارودستههای رژیم است تا جایی که تلاش برای محدود ساختن مجلس سوم به "یک کانال و افراد خاص" و "تشکیل" مجلس یک خطی" را "خیانت به مردم و انقلاب و کشور" خوانده است. اما واقعیت علاج ناپذیری بحرانهای درونی رژیم سخت تر از آنست که ایلهی چگون منتظری در سودای سیاست همه با هم برای اداره دستگاه رژیم باشد.

موضع خمینی یلید در کل حمایت از جناح دولت است، اما برای اینکه تعادل قوا را در سطح فعلی نگاه دارد همیشه گفتار و کردار این جناح را ناثبت نمیکند و در مواقعی هر دو جناح را سرزنش و بعضا امتیازاتی هم به جناح مخالف دولت میدهد. مثلا یکبار گفته است "فقه همان فقه است و تغییری نکرده است" این موضع بسود جناح بازار تمام شد. در حالی که انحلال حزب جماعت بدستان و اعلام این موضوع که "هیچ فرد و گروه و نهاد و سازمان و حزب و دفتر و تجمعی نمیتواند در حوزه انتخابات دیگران دخالت نماید و برای غیر حوزه خود فرد یا افرادی را کاندیدا نموده و برای آنان تبلیغ نماید" به نفع جناح دولت و ضرر جناح بازار بوده است.

اخیرا دارودسته ضد انقلابی بازارگان موسوم به "جمعیت دفاع" هم اعلام نموده که در انتخابات دور سوم مجلس ارتجاع شرکت میکند و طی پیامی که قسمتی از آن را ادیبوی بی، بی سی بخش شد، ضمن درخواست از مردم برای شرکت در انتخابات از لیکردگان رژیم خواسته است "انحصارگری را کنار بگذارند."

در شرایطی که برای رژیم فرمانده خمینی هیچ چشم اندازی جز سرنگونی بدست توانای خلق نیست بازارگان و همپالگی هایش بیش از پیش به فکر نجات رژیم می افتند و در سودای روزی هستند که بتوانند در حاکمیت شریک شوند و با میانه بازی جلوی سقوط محتوم رژیم دیکتاتوری خمینی را گرفته و انقلاب تودهها را مهار نمایند. اما به سن مبارزه خلق قهرمان ایران و پشاهنگی فرزندان انقلابی اش آنگاه که رژیم خمینی سرنگون شود بازارگان و همقطارانش این خواب و خیالها را بگور خواهند برد.

نکتهای که شایان توجه است اینست که در ماهیت این رژیم قرون وسطایی و اساسا در ولایت فقیه مکانی هر چند فرمایشی برای تبادل نظر با مشورت نمیگنجد، ساعتها و روزها بحث در مجلس ارتجاع دهها ارگان طراح و برنامه ریز با یک مخالفت ولسی فقیه به "کشک" تبدیل میشود. در این رابطه منتخب نیا نماینده شیراز میگوید: "واقعیت اینست که ما قبل از قانون اساسی مسائلهای به تمام ولایت فقیه داریم و همین ولایت فقیه هر جا که مصلحت بداند میتواند حکم و فرمانی مافوق قانون اساسی صادر کند. نمایندگان در مجلس به حسب این دیدگاه شرعی باید طوری باشند که اول ولایت فقیه را در نظر بگیرند و بعد قانون اساسی و صلاحیتهایی که خود تشخیص میدهند." (کپهان رژیم ۱۷ آبان ۶۶)

در صفحه ۸



**بیانیه**

**سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)**

از صفحه ۷

این کادر برجسته جنبش نوین کمونیستی ایران، یاد رفقا خسرو گلبرخی و کرامت دانشیان این فدائیان راستین خلق، یاد رفقا کیوسرت سنجری و محمد علی ملکوتیان و صدها فدایی بخون خفته دیگر، یاد فرمانده دلیر فدایی رفیق قاسم سیادت که در جریان قیام بهمن شهادت رسید را گرامی میداریم. یاد فدایی دلیر خلق رفیق جهانگیر قلعه میان دو آب که بدست مزدوران رژیم خمینی شهادت رسید و یاد فرمانده دلیر پیشمرگان فدایی رفیق مسعود رحمتی و ده پیشمرگه دلیر فدایی را که در نبرد علیه مزدوران رژیم خمینی شهادت رسیدند را گرامی میداریم، یاد رفقای فدایی، فاطمه افدرتیا، فاطمه محمدی و دهها زن قهرمان فدایی که در سنگر انقلاب خلق علیه رژیم های شاه و خمینی مبارزه کرده و شهادت رسیدند را گرامی میداریم، یاد چهار آدرخش شب خلق ترکمن، رفقا توماج، مخنوم، جرجانی و واحدی را گرامی میداریم. و بر پیمان خونین خود با این رفقای دلیر تاکید میکنیم، ما در بهمن ماه خونین یاد سجاهدین قهرمان که در مبارزه علیه رژیم های شاه و خمینی شهادت رسیدند را گرامی میداریم. یاد سجاهد کبیر، شهید احمد رضایی که از برجستهترین



فدایی شهید / رفیق اسکندر رحیمی / رفیق هادی منده خدا لنگرودن / فدایی شهید / رفیق محمد قندچی

کادریهای جنبش انقلابی ایران بود را گرامی میداریم، با فرزندان دلیر خلق آذربایجان، فرمانده کبیر جنبش مسلحانه، سجاهد دلیر خلق، موسی خیابانی و سمیل زن مجاهد خلق، اشرف ربیعی (جوری) و صدها رزمنده دلیر مجاهد خلق را گرامی میداریم.

رفقای رزمنده فدایی، هوادار سازمان، مارکسیست-لنینیست های انقلابی و آرزومندترین گرامی داشت خاطره رفقای پیشتاز فدایی، دفاع از اصول و ارزشهایی است که آنان در راه آن شهادت رسانند. ایورتونیست ها، پس از شهادت انقلابیون، ضمن ستایش جاہلوسانه از این قهرمانان، نظرات انقلابی آنان را مردود اعلام میکنند. ما در مقابل این ایورتونیست های رنگارنگ اعلام میکنیم که تنها راه ارج گذاری به مبارزه پیشتازان دلیر فدایی و شهیدای قهرمان فدایی، دفاع از شی انقلابی آنان، یعنی شی انقلابی مسلحانه علمیه امپریالیسم و ارتجاع و در شرایط کنونی بطور مشخص علیه رژیم حاکم بر مین ما و تمام دارو دستهای درونی آن و تمامی ارگانهای سرکوبگر و جنگ افروز آنست. بجز این، هرگونه ستایشی در بهترین حالت چهل و در عمومی ترین شکل رایج آن در میان ایورتونیستهای جامعه ما، همان ردالت پیشگی و عوامفریبی است. ما با تاکید بر مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی بمنابۀ شکل اصلی مبارزه که تمامی اشکال دیگر مبارزه بر محور آن قابل گسترش و پیشرفت است، یکبار دیگر از تمام مارکسیست-لنینیست های صادق و انقلابی میخواهیم که به مغوف سازمان پیشتاز فدایی، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- پیرو برنامه (هویت) بپیوندند و ما از رفقای فدایی و هواداران سازمان میخواهیم که طی سال آینده مبارزه برای نابودی جنبش سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی را تشدید نمایند. پیروزی از آن ماست. ما مدافع صلح، دمکراسی استقلال و سوسیالیسم هستیم. ما مدافعان پر شور مارکسیسم-لنینیسم و پرچمدار راستین سنت های کبیر-جریان پیشتاز فدایی هستیم.

ما در سنگر مبارزه خلق، برای نابودی امپریالیسم، برای نابودی جنگ و سرنگونی رژیم خمینی، برای نابودی بورژوازی، نابودی استثمار و استثمار و هر نوع ستم ملی، مذهبی و جنسی، استوار و سرسخت اعلام میکنیم با مرگ یا پیروزی.

در اهتزاز یاد پرچم مارکسیسم-لنینیسم

پیروز باد مبارزه برای استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم  
هر چه گستردهتر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی  
نابود باد جنگ، مرگ بر خمینی، زنده باد صلح و آزادی  
پیروز باد شورای ملی مقاومت  
درد بر پیشتازان شهید فدایی و شهیدای بخون خفته خلق  
افتخار بر سازمان پیشتاز فدایی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)  
بهمن ماه ۱۳۶۶

**حزب الله در گرداب تضادها**

از صفحه ۷

نزد این دم و دستگاه مجربان خوب بهترین هاینده و اگر مزدوری زبانش لال "به نوعی" اظهار نظرهایی کند، مورد تعقیب قرار میگیرد. چندی پیش فواد کریمی یکی از سرپرندگان رژیم گفت: "بعضی نمایندگان را به علت اظهار نظر و ارائه نظرات و شکایات تحت تعقیب قرار داده اند و متأسفانه پشت سر هم از طرف قوه قضائیه، نمایندگان مورد احضار و تعقیب و تضعیف قرار میگیرند." این مزدورراست میگوید، هنوز آثار هشدار خمینی به ۸ نماینده ای که در جریان ماجرای "خمینی-ریگان-کنترا" ولایتی را مورد سوال قرار داده بودند محو نگشته بطوریکه این ۸ نفر تا کنون، صدایشان در نیامده است. چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس بنام زهرا می آینده مجلس ارتجاع را اینگونه بیان کرد: "با روند فعلی مجلس عملاً از مسئولیت خود برکنار خواهد شد و عملاً به کارهای شمار جزئی و بیش یا افتاده مشغول خواهد شد." زهرا می بخوسی آینده مجلس ارتجاع را ترسیم میکند. و محتشمی دیدگاه جناح غالب حزب الله را با بیانی بسیار صریح بدینگونه بیان میکند که: "شک نیست ضرورتی ندارد احزاب متولی مسائل سیاسی و انتخاباتی این مردم انقلابی بشوند" (کیهان هوایی - ۶۶/۹/۳) اما نکته ای که شایان ذکر است اینست که اگر حتی باند رفسنجانی بتوانند مجلس بکشد هم همیندی کنند، باز هم گرگهای وحشی بجان هم خواهند افتاد و بکدیگر را خواهند درید. این از سرشت ولایت فقیه و حاکمیت حزب الله برمی خیزد و هیچ ترفندی هم نمیتواند مانع بروز آن شود.

**امام در سبیل ۱۱**

از صفحه ۱۲

این قسمتی از افاضات فخرالدین حجازی در ورق پاره کیهان ۲۸ آبان امسال است. اینگونه سبزه پرانیها برای ثابت کردن این مسئله است که "انقلاب اسلامی" به جزیره سبیل هم سرایت کرده و همین روزهاست که جمهوری اسلامی به رهبری امام در این سرزمین استقرار یافته و حاکمیت "اسلام" بر پسا کرده. فرومایه جنایتکار به این هم بسنده نکرده و با اظهار این مطلب که "کمونیست ها" باعست و باسی بدبختی مردمنده میگوید: "این سوسیالیستها و کمونیست ها هم که هر روز اعتصاب راه می اندازند و کارها را فلج میکنند و مشتت مردم بیچاره را به دنبال خود می کشانند و بعد هم که وزیر و وکیل شدند صد رحمت به کفن دردهای اولی (منظور مافیسا، ناچاقچیان طلا، دزدان و...) است." حجازی جنایتکار با بیروبی و حماقتی که به حق از آخوندها و امامش به ارث برده در ادامه میگوید: "به برکت اسلام این جزیره بمورت یکی از مراکز تجاری و زراعت در آمده است." گوئی که جهانیان، حزب امام جنایتکار و اسلام شد بشرش را نسلخخته و نمیدانند که به برکت همین اسلام خمینی چه بر سر زراعت و تجارت این مملکت جنگ زده ایران آمده است. رو که رونیست، سنگ پای قزوینه



### رژیم خمینی و انتخاب کارگر نمونه

از صفحه ۱

نقارت کارگری" و خلاصه کلیه اموری که بتواند با تویل به آنها نفوذ ارگانهای دولتی و در حقیقت دست بورژوازی را در این قضیه پنهان کرد. استفاده می‌کنند تا بتوانند شواهد و شرایط خود را برای انتخاب کارگر نمونه را همان ملاکهای کارگزاران جلوه‌گر سازند. اما سیاست بورژوازی ملیست به عیسا و عماده که تا مفر استخوان، دیکتاتور، خونریز و ضد کارگر است و قصد آنرا دارد که کارگر نمونه هم انتخاب کند، بقینا جز یک نمایش کمدی چیزی دیگری از آب در نخواهد آمد.

از سوی وزارت کار (این لایحه سرمایه‌مداران) "ملاکها و شواهد موثر در انتخاب کارگر نمونه سال ۶۶ اعلام میشود. (کمپان ۱۴ دی ۶۶). تعیین شروط از طرف یک وزارتخانه رسمی و دولتی، دیدگاه رژیم خمینی نسبت به سهم کارگران در این امر را نشان میدهد که بر طبق آن شرکت دادن کارگران در انتخاب کارگر نمونه و دادن رای نهایت لطفی است که میشود کرد و بیش از آن ابتدا جایز نیست. همین یک فاکت کافیست تا دریافته شود که بورژوازی مستقر در وزارت کار از حداقل زیرکی و هوشماری هم برخوردار نیست و از این نظر با انواع متکامل خود فرسنگها فاصله دارد. در ادامه شرایطی که این بورژوازی کوفت قائل شده به این تیتزه‌ها برمی‌خوریم: "خلاقیت، اختراع، اکتشاف، نوآوری و ابتکار، تعهد و انضباط کار، صرفه جویی در مصرف مواد اولیه، بالا بردن بازدهی تولید، تعهد و تقید، حضور در جبهه و نقش موثر در پشتیبانی جبهه" (همان منبع). اگر از چهار شرط اولیه که ذکر آنها در اینجا جنبه تشریفاتی داشته و با توجه به بحران فزاینده‌ای که دانگکیر اقتصاد و صنعت می‌باشد که حتی صادر کنندگان این فرامین نیز آنها را جدی نمی‌گیرند بگذریم، سایر موارد نشانه‌ی حضور جریان خواسته‌های بورژوازی حاکم از طبقه کارگر می‌باشد. "تعهد و انضباط کار" یعنی چشم پوشی از همه آنچه که در نبرد بورژوازی بی‌تعهدی و بی‌انضباطی شمرده میشود. از قبیل مبارزه برای شکل‌های منفی - سیاسی مبارزه برای افزایش دستمزد، مبارزه برای حقوق بیکاری، حق بیمه، عیدی، پاداش و... "صرفه جویی در مصرف مواد اولیه" یعنی تمکین به سرمایه‌داری که از قحطی، کمبود و فقر عمومی استفاده کرده و با تولید کالاهای پنج‌گسل سودهای هنگفت به جیب می‌زند.

"بالا بردن بازدهی تولید" یعنی به فراموشی سپردن مبارزه برای تقلیل ساعت کار و حذف اضافه کاری و در یک کلام به استثمار بیشتر تن دادن. "تعهد و تقید" یعنی جایگاه طبقاتی خویش را از یاد بردن و مصالح و منافع بورژوازی را از جیب شمردن و سر آخر "حضور در جبهه و نقش موثر در پشتیبانی جبهه" تنها به آلت دست بورژوازی در تداوم بخشیدن به نارت و سرکوب، تبدیل شدن و برای همین امری نیرو گذاشتن را معنی می‌دهد. و کلیه

این شروط و ملاکهای خمینی پسند نفی و حذاف اراده مستقل طبقه کارگر و القای یکسان بودن منافع آنان با بورژوازی را در مد نظر دارد. تبلیغ آشکار چنین مواضع ضد کارگری آنهم به مناسبت انتخاب کارگر نمونه! تنها با ساخت و باقی‌ماندن دیکتاتوریهایی همان گسیخته‌ای همچون رژیم خمینی میتواند سازگار افتد که در عین مواجه با مسووج نیرومند و رو به اعتلای جنبش توده‌ای و مقاومت مسلحانه در صدد برمی‌آیند تا نابریه‌زیبایی از این دست مرتکب شده و برای نیروی پیششار این جنبش الگو و نمونه هم تعیین نمایند. اما این سیاست زمانی که به حوزه عمل میرسد و بورژوازی حاکم قصد آنرا می‌کند تا با عوام فریبی چهره‌ی خویش را در پشت ماسک مستضعف پناهی پنهان نماید ناگهان با صفوف در هم فشرده‌ی کارگرانی مواجه میشود که از هر روزنه‌ای هر چند کوچک برای پیشبرد سیاست طبقه‌ی خویش سود می‌جویند و این برای دیکتاتوری پوشیده و لرزان نظام حاکم خطر ایجاد شکاف و گسترش آن تا سطح سقوط قطعی را در بر دارد. بنا بر این نقاب از چهره برداشته و به تهدید و تطمیع طبقه‌ی کارگر می‌پردازد "ملاکها و شواهد موثر" تعیین می‌نماید تا در نمایش خود ساخته‌اش حتی به جای هنرپیشه‌ها هر مل بازی کند! عمق هراس رژیم خمینی از عمل مستقل کارگران آنگاه بیشتر مشخص میشود که از آنان می‌خواهد "مشخصات کارگران واجد شرایط خود را پس از اظهار نظر بالاترین مقام مسئول و تأیید انجمن اسلامی و شورای اسلامی کار واجد مربوطه به همراه مشخصات کامل کار انجام شده و نیز دو قطعه عکس یک بزرگ فتوکپی شناسنامه حداکثر تا ۶۶/۱۰/۲۵ به هاتمسر خانه کارگر و ادارات کار و امور اجتماعی ارسال دارند." (همان منبع) پس از قائل شدن شرط و شروط روند سیستماتیک اختناق و سرکوب نه تنها متوقف نمیشود بلکه گام به گام بعد گسترده‌تری بخسود می‌گیرد. بورژوازی به هزار و یک وسیله در صدد کسب اطمینان خاطر از "زرد" بودن منتخبین برمی‌آید. ابتدا "اظهار نظر بالاترین مقام مسئول" که البته منظور مدیر یا کارفرماست، ضروری میشود سپس در مرحله‌ی دوم "انجمن یا شورای اسلامی" و یا در حقیقت ارگان امنیتی رژیم در کارخانه باید به سنجش صلاحیت خود منتخب بپردازد. در مرحله سوم تمام این مدارک در لایحه‌های بورژوازی "خانه کارگر و وزارت کار" مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرد و احتمالاً در مرحله‌ی چهارم "دوقطعه عکس و یک بزرگ فتوکپی شناسنامه" از سواک رژیم سر در می‌آورد تا به سرمایه‌داران قوت قلب بیشتری داده شود!

تجربه‌ی چند ساله سیاستهای ضد کارگری رژیم خمینی واقعیت و ضرورت مبارزه طبقاتی را به کارگران آموخته است و نمایشات رسوایی همچون "انتخاب کارگر نمونه" تنها یوزخند آنان را در بر خواهد داشت. واقعیت زندگی مادی برتر و موثرتر از هر حیل و نیرنگ بورژوازی به طبقه کارگر نشان میدهد که سیاست و اراده‌ی مستقل آنان تنها در مبارزه‌شان بر علیه کلیت سیستم حاکم متجلی خواهد شد. امری که هیچ سرکوب و فشاری قادر نخواهد بود طبقه کارگر را از آن منصرف کند.

### مقدمات خارجی

"ایران از جنگ برای سروشی بر ناسامانیها استفاده می‌کند"

مقاله از ویلیام شستون، روزنامه لس آنجلس تایمز

مسکو، ۲۵ دسامبر - تاس، خبرگزاری رسمی شوروی ادعا کرده است که آیت الله خمینی و دولت ایران جنگ را بخاطر سروشی گذاشتن به "بی صلاحیتی کامل" خود و حفظ قدرت ادامه می‌دهد.

این ادعا در یک مقاله تاس که بوسیله م کریختین که در ۱۹ دسامبر در کمونست که یک روزنامه متعلق به حزب کمونیست آرمستان می‌باشد به چاپ رسیده است. این مقاله خمینی را یک (چهره فنانیک و سر سخت) خطاب کرده است و گفته است که مرگ او جنگ ایران و عراق را خاتمه نخواهد داد به این دلیل که دنباله‌روهای او نیز در جنگ برای کمبودها و شکست‌های خود استفاده می‌کنند.

هیچیک از روزنامه‌های ملی مثل پراودا و ایزوستیا چنین چیزی را در گزارشات خود استفاده نکرده‌اند. به‌رحال این اظهار نظر ممکن است نمایانگر مخالفتی جدی تر شوروی با ایران باشد که میتواند رژیم خمینی را در سطح جهانی منزوی تر کند.

شوروی تا بحال یک نقش میانجی در جنگ ایران و عراق بازی کرده است. با اینکه بزرگترین صادر کننده اسلحه به عراق است توجه خاصی نیز به ایران نشان داده تا بتواند به جنگ خاتمه دهد. اما میخائیل گرباچف بتازگی خاطر نشان کرده است که مسکو برای اولین بار خواستار تحریک تسلیحاتی علیه ایران از طریق سازمان ملل شده است. تاس میگوید روزنامه حزب آرمستان گفته است که تصمیمات روز بروز دولت ایران توسط خمینی گرفته میشود فردی که در عین حال رهبر اخوندهای اسلامی نیز هست.

تاس می‌گوید اما چیزی که قابل توجه و چشمگیر است این است که خمینی از زمانی که در سال ۱۹۷۹ قدرت را بدست گرفته است هیچگونه عمل سازندگی در ایران انجام نداده است.

"بی صلاحیتی تمام معیار مذهبیون در کارهای اجتماعی و اقتصادی بوسیله محققان بارها ذکر شده است. این فقط یک اتفاق نیست که مقامات تهران تمامی قدمهایی را که در جهت صلح گذاشته میشود رد می‌کنند."

"جنگ در موقعیت ایران یک راه حل برای بقای اجتماعی مذهبیون است."

تاس می‌گوید، رژیم خمینی دم از سرنگون کردن دولت همسایه و صادر کردن "انقلاب اسلامی" به کشورهای دیگر می‌زد در صورتیکه خودش هیچ چیز ندارد که به مردم ایران بدهد.

تاس می‌نویسد: حتی مرگ خمینی کهنسال جنگ ایران و عراق را پایان نخواهد بخشید ولی احتمال بر عکس آن را بیشتر میتوان داد و آن اینکه خاتمه جنگ جمهوری اسلامی را به سرنگونی نزدیکتر میکند مگر آنکه آنها جنگ تازه‌ای را در جای دیگر شروع کنند تا توجه مردم ایران را از مشکلات داخلی دور کند.

### برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۹۲۴ - درگذشت لنین
- ۱۹۳۲ - شورش توده‌ای دهقانان السالوادور کسه در آن ۳۰۰۰۰ نفر از دهقانان قتل عام شدند.
- ۱۹۳۲ - اول فوریه - روز اعدام فارابومارتیسی در السالوادور
- ۱۹۳۳ - پیروزی نبرد استالینگراد علیه فاشیست‌های همیتری
- ۱۹۳۸ - ترور نهادگاندهی رهبر جنبش استقلال طلبانه هند
- ۱۹۷۸ - شروع اعتصاب ملی در نیکاراگوئه که در آن ۸۰ در صد حرفه‌ها برای دو هفته اعتصاب نمودند.



### انقلاب بهمن و جریان پیشناز فدائی

به نقل از "راه آزادی" نشریه جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران (داد)  
شماره های ۲۱ و ۲۲ بهمن و اسفند ۱۳۶۵

#### پیدی نام

و آموزشی پرداخته بودند، دو گروه مارکسیستی-لنینیستی را شامل می شدند. گروه اول که عناصر متشکله آن قدمتی تر بودند به گروه پیشناز جزئی-ظرفی و گروه دوم به گروه پیشناز احمد زاده - پویان که در واقع نظریه های مهم جریان فدایی بودند نامیده می شدند.

این دو گروه گر چه در بسیاری از مسائل تئوریک جنبش و به ویژه پیرامون ضرورت یگانه گیری تاکتیک سلحشانه وحدت نظر داشتند، اما دارای اختلافاتی نیز بودند که در ابتدا سایه روشنیهای آن مشخص بود. اختلافات این دو گروه در ابتدا تحت الشعاع ضرورت حفظ جریان فدایی و تثبیت مبارزه سلحشانه انقلابی علیه رژیم شاه قرار گرفت. نمایندگان نظری این دو دیدگاه رفقای کبیر و شهید، سعید احمد زاده و بیژن جزئی بودند. سالهای اولیه حیثیات سازمان، دیدگاههای رفیق سعید احمد زاده، دیدگاههای رسمی و سلطه در سازمان بود.

مهمترین خصوصیات جریان پیشناز فدایی عبارت بود از:

الف - این جریان خود را مارکسیست - لنینیست می دانست و گر چه نسبت به گذشته جنبش کمونیستی ایران نگرشی انتقادی داشت، اما خود را میراث دار بین مثبت و انقلابی گذشته ایسین جنبش و تاریخ آن که از آستانه جنبش مشروطه شکل گرفته بود، می شناخت. جریان پیشناز فدایی، ضد خود را در گام اول، استقلال و آزادی ایران و در گام بعد استقرار سوسیالیسم به مثابه تنها راه نجات کارگران و زحمتکشان ایران، قرار داده بود. برای

جریان پیشناز فدایی، انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی دو مرحله گسسته از هم نبود. بلکه اگر بخوانیم بطور دقیق آنرا بیان نمایم، دو نواز از یک پیرویه بود. در گام اول حل تضاد خلق با سوسیالیسم که از کنایه مبارزه با دیکتاتوری شاه می گذشت و در گام دوم حل تضاد کار و سرمایه - ضمن آن که حل بخشی از وظایف گام دوم را در گام اول می دانست، اما مضمون اصلی جنبش را دموکراتیک و مبارزه برای استقلال و دموکراسی تعریف می کرد.

ب - جریان پیشناز فدایی، معتقد به رابطه مستقل و برابر با قوتهای جنبش جهانی کمونیستی بود. از این لحاظ یک جریان قطبی و دنیالست-مروری جریانات بین المللی کمونیستی نبود. در درون این جریان، گرچه میزان تاثیر پذیری از حوادث مهم جنبش جهانی و قلب مذهبهای درون آن متفاوت بود، اما نقطه مشترک همگان حفظ استقلال و عدم دنباله روی بود.

ج - جریان پیشناز فدایی، استراتژی و تاکتیک خود را اساساً از شرایط داخل ایران استخراج میکرد. برخورد خلق با ایدئولوژی و تحلیل مشخص از شرایط شخصی، از خصوصیات برجسته این جریان بود، چریکهای فدایی خلق، خود را هرگز زدایی کتسب کلاسیک بزرگان کمونیست نگردند. پذیرش مبارزه سلحشانه انقلابی به مثابه شکل محوری مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه، به علت همین برخورد خلاق با تئوری مارکسیسم - لنینیسم بود. باید تأکید کرد این برخورد خلاق، مانع وفاداری جریان فدایی به اصول اساسی تئوری مارکسیسم - لنینیسم نشد.

د. جریان پیشناز فدایی، توجه اکید به عدم تشدید تضادهای درون خلق داشت. این جریان هیچگاه با زوروق "پرولترنمایی" و برخورد های دوگانه، سن، آداب و مذهب مردم را متخذه نکرد. ضمن مبارزه با ضد اندیشه ارتجاعی، خط و مرزهای انقلاب و ضد انقلاب، ترقی و ارتجاع را هرگز از میان ایدئولوژیهای عبور نمی داد، بلکه از میان طبقات و در این مرحله مشخص از میان خلق و امیربا- لیس عبور می داد. علت این که امروز اپورتونیستها و مغفیلین، سازمان پیشناز فدایی را متهم به "بویولنیسم" می کنند، برخورد اصولی جریان فدایی با پدیده های متنوع جامعه ایران، است. جریان پیشناز فدایی با کینه برداری از کتب کلاسیک، هرگز مسائل جوامع کلاسیک سرمایه داری را نه جامعه تحت سلطه ایران تعمیم نداد.

اینها اصلی ترین خصوصیات جریان پیشناز فدایی بود. و جانب عملی که اپورتونیستها، امروز درست همین خصوصیات را مورد حمله قرار می دهند. در حالی که برای قهرمانهای رفقای ما نیز اشک تمساح می ریزند و ستایشهای شرم گیزانه می کنند.

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد علیه دولت ملی دکتر مصدق و شکست جنبش رهاشی بخش مردم ایران دورانی طولانی از اختناق و رکود، در مین ما سه بود. حزب توده به علت اپورتونیسم عمیقی که بدون مبتلا بود، نتوانست در مقابل این کودتا اقدام موثری انجام دهد و به یک شکست استراتژیک دچار شد. شکست حزب توده و تسلیم و زبونی رهبران آن، ضربه سختی به حیثیت کمونیسم در بین مردم وارد کرد.

تحولات سالهای اول دهه چهل، که به ابتکار امپریالیسم آمریکا و به وسیله حکومت وابسته شاه صورت گرفت، مرحله جدیدی را در جنبش انقلابی مردم ایران آغاز نمود، مرحله تثبیت دیکتاتوری شاه، این مرحله تا اعلام حزب رستاخیز که نقطه اوج دیکتاتوری و ضمه نقطه آغاز افول آن بود، ادامه یافت. در آن شرایط پیگیری ترین کمونیستهای ایران با مسئله "چه باید کرد؟" درگیر شدند و جمع بندی تجربیات جنبش کمونیستی ایران از اولین هفته های سوسیالیستی در ابتدای قرن حاضر در ایران تا زمان مورد بحث و درس آموزی از آن در دستور کار اینس گروه از انقلابیون قرار گرفت. این مسامحات همچنین در جناح انقلابیون ده کرات، به شکل دیگری چریسان پیدا کرد که جای بحث آن در این مقاله نیست.

همزمان در سطح جهانی، رویدادهای مهمی بوقوع پیوست که بر مباحث آن روز مارکسیست - لنینیست های ایران تاثیر می گذاشت. طی سالهای ۴۲ تا ۴۹ گرایش وجود داشت:

گرایش اول که توسط حزب توده نمایندگی میشد اساساً نسبت به انحرافات و خیانتهای گذشته اش، سکوت و یا آنرا توجیه می کرد. این گرایش که اساساً در داخل ایران فاقد شکلیات بود، بصورت یکسک سازمان اداری در خارج از کشور بمنظور توضیح نسیتهای اتحاد شوروی درآمده بود. تشکلهای مربوط به این جریان در داخل کشور، تشکلهایی بودند که یا ساخته و پرداخته پلیس شاه بودند و بنا بر اتمام آن، پلیس نفوذ کرده بود. این گرایش هیچ بنا به عنوانی در قبال جنبش انقلابی مردم ایران نداشت.

گرایش دوم، که از تحولات جنبش جهانی کمونیستی تاثیر مستقیم می پذیرفت. تحت عنوان گرایش "پروچینی" معروف شد. این گرایش که خود به جناحهای متعدد تقسیم میشد، در ابتدای دهه چهل به نحوی مبارزه سلحشانه علیه رژیم شاه را می پذیرفت. اما در مقابل الزامات این پذیرش برخورد پایبندی و ذهنی گرایش از خود نشان میداد. الگو برداری از انقلاب چین و کشورهای مشابه آن و فقدان خصوصیات انقلابی در بین نمایندگان این گرایش، اینان را، عملاً به گروههای پسر مدعی خارج نشین تبدیل نموده بود. به جز تعداد معدودی از وابستگان به این گرایش که در مقابل رژیم شاه مقاومت کردند و مدعیان از آنان به شهادت رسیدند، اکثریت افراد این گرایش، به وسیله هنگامی که دستگیر می شدند، تسلیم خواسته های رژیم می شدند.

گرایش سوم که پرچم مبارزه سلحشانه انقلابی علیه رژیم شاه را برافراشت، بعنوان یک جریان کمونیستی، ضمن توجه و تاثیر پذیری از رویدادهای آن زمان جنبش انقلابی و کمونیستی جهان، اساساً از نقد گذشته جنبش کمونیستی ایران و توجه به سه مسائل عینی جامعه ایران، کار خود را آغاز کرد. ستون فقرات و نیروی اصلی این گرایش که بر پرده رشد خود به تنها نیروی انقلابی جنبش کمونیستی ایران تبدیل شد، جریان فدایی بود که طی سالهای ۴۹ تا ۵۷، خود نیرومندترین جریان مارکسیستی-لنینیستی در تاریخ جنبش کمونیستی ایران شد. اما گروهها و جریانات مارکسیستی - لنینیستی دیگری نیز بودند که در چهار چوب های این گرایش حرکت می کردند. برجسته ترین نماینده این گروهها - جریانات که ضمایکی از برجسته ترین چهره های جنبش کمونیستی ایران به حساب می آید، رفیق شهید شکرالله پاک نژاد بود.

جریان پیشناز فدایی در ۱۹ بهمن سال ۴۹ و پساً حماسه مساهل، فعالیت علنی خود را آغاز کرد. نیروهای متشکله جریان پیشناز فدایی که طی سالهای ۴۲ تا ۴۹ به کارهای تدارکاتی، تئوریک

پس از سال ۴۹، اولین هدف سازمان، تثبیت مبارزه سلحشانه انقلابی در سطح جنبش و تثبیت سازمان بعنوان نیروی اصلی و محوری جنبش کمونیستی بود. انقلابیون فدایی تا سال ۵۲، علیرغم ضربات فراوان ساواک شاه به سازمان، به علت پیگیری و ایمان استوار، به این هدف دست یافتند. در این فاصله تقریباً تمام گروهها و محافل مارکسیستی - لنینیستی داخل کشور، بسود جریان فدایی سمت گیری کردند. مرحله جدید، مسائلی جدیدی را در مقابل سازمان قرار می داد که بی توجهی نسبت بدان، حیات رشد پاینده سازمان را در خطر می انداخت. سالهای ۵۲ تا ۵۵، دوران برخورد خلق با مسائل جنبش بود. سازمان در این دوران باید میتوانست هم تئوری و برنامه خود را اصلاح، هم عملی و سازماندهی آماده برای حوادث طوفانی بعدی نماید.

این دوران که بطرف من دوران گسترش سازمان دوران مبارزه درونی نظرات مختلف درون سازمان است، تنها با تثبیت یک خط مشی واحد که از مبارزه ایدئولوژیک سالم و دموکراتیک درون سازمان بیرون آمده باشد، سازمان را چندین مرحله ارتقاء می داد. ضربات سال ۵۵ بر کارگر رهبری سازمان، که ریشه در وضعیت آن موقع داشت، در این پیرویه اختلال جدی بوجود آورد. این ضربات، به اضافه به شهادت رساندن رفیق بیژن جزئی در زندان که دیدگاههای او در سازمان مورد بحث بود و شهادت رفیق کبیر حمید اشرف در جریان رودررویی با مزدوران شاه، که او نیز اندیشه هایش در به مثابه اندیشه مارکسیستی-لنینیستی را شرایط مشخص ایران در مورد خلق شماره ۶ اعلام کرده بود، آغاز یک بحران یا تقاضی متناقض در سازمان گردید. با وجود این بحران که در انتدابه علت شرایط بسته جامعه، بسیار کشنده رشد میکرد و توده های ناچیزی داشت، جهت غالب رویدادها بسود گرایش انقلابی و اصولی بود. یکی از مهمترین مسائلی که طی سالهای ۵۲ تا ۵۵ سازمان می باید برای گذار از این پیرویه مد نظر قرار میداد، اشرف رهبری سازمان و به ویژه حفظ رفیق کبیر حمید اشرف بود. رفیق شهید بیژن جزئی، بطور مکرر چنین توصیه ای را از زندان به رفقای سازمان می نمود:

اما بافتاری رفیق حمید اشرف بر این که باید خود شخصاً در یطن حوادث درگیر باشد، مانع انجام چنین اقدام اصولی از طرف سازمان گردید. نقش رفیق حمید اشرف در سازمان ما و در پیشبرد امور، نقشی ویژه و کاملاً ممتاز بود، وی تنها رفیقی بود که قسلاً از شهادت با لقب کبیر و رهبر نامیده میشد. وی نقطه پیوست چند نسل از نیروهای متشکله سازمان فدایی بود. در همین فاصله بود که در سازمان جاهدین خلق به وسیله تعدادی عناصر ماجراجو و آنارشویی، یک کودتای اپورتونیستی و آنارشویی اتفاق افتاد. رفیق حمید، بدرستی در مقابل این جریان موضعگیری نمود، گر چه ما اکنون از مذاکرات طولانی رفیق حمید اشرف با رهبران این جریان اپورتونیستی که در چندین نوار ضبط شده، خبر نداریم، ولی از بعضی موشگرمیهای علنی و بعضی صحبت های خصوصی، میدانیم که رفیق حمید، همکاری با این جریان را که به تدریج از مواضع مبارزه سلحشانه عقب نشینی میکرد، نپذیرفت. اما در رابطه با این رویداد جای یک موضعگیری و طعنه و علنی خالی بود. سازمان سبایست به خاطر منافع دراز مدت جنبش و بر طبق اصولش، برخورد های رهبران کودتای آنارشویی اپورتونیستی در درون سازمان جاهدین خلق را محکوم می کرد و نام و آرم سازمان جاهدین خلق را متعلق به مسلمانان انقلابی که از سن و میراث جاهدین خلق دفاع می کردند، می شناخت و استفاده جریان آنارشویی از نام و آرم جاهدین خلق را اقدامی فرصت طلبانه اعلام میکرد. این تقیمه در بعضی نیروهای فدایی درون زندان و خود ما هم وجود داشت، توجه به این نکته از این نظر مهم است که خلاصه نیروی مثل جاهدین خلق به طور سازمان یافته، گرایش ارتجاعی و راست را در طیف نیروهای مذهبی به شدت تقویت کرد.

نیمه دوم سال ۵۵ و تمامی سال ۵۶ برای سازمان ما، روزهای سختی بود که عمده نیروهای باقیمانده صرف سازماندهی مجدد شد. در این دوره به علت کیفیت پایین نیروهای باقیمانده، دیدگاههای رفیق جزئی، عمیقاً درک نشد، اگر چه به اشکالی به عنوان نظر رسمی و غالب سازمان پذیرفته شد. در این دوره گر چه سازمان حرکات مثبتی انجام داد، اما مادگی مقابله با جنبش توده ای که جوانهای آن بیستون زده بود، نداشت. قبل از این دوره، سازمان به مقدار زیادی دارای کیفیت سیاسی بود. در این دوره، سیاست نسبت به مسائل سیاسی در سازمان کاهش



# فروازهای آرزوهای پنهان



فدایی شهید رفیق توماج

در ۱۱ بهمن سال ۱۳۵۰ مجاهد کبیر شهید احمد رضایی یکی از برجستهترین کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران و اولین شهید این سازمان در راه استقلال دمکراسی و عدالت اجتماعی طی یک نبرد حماسی شهادت رسید.

در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۲ دو تن از برجستهترین چهره‌های جنبش کمونیستی و انقلابی، دو فدایی رزمنده، خسرو گلرخ و کرامت الله دانشیان بدست مزدوران رژیم اعدام شدند.



فدایی شهید رفیق کرامت الله دانشیان



فدایی شهید رفیق خسرو گلرخ

در بهمن ماه ۱۳۵۳ طی یک نبرد حماسی بنا مزدوران ساواک، فدائیان خلق، فتحملی پناهیان اسفند پشاسی، محمد کاشی جی جان باختند.

در ۶ بهمن ۱۳۵۲ رفقای فدایی جعفر محتمشی فاطمه آفرینیا، سعود پرورش و مجید پیرزاده چمری در یک نبرد خیابانی شهادت رسیدند.

در ۲ بهمن ۱۳۵۲ تنی چند از اعضا و کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران و منجمله مجاهد شهید مرتضی صمدیه لیاف بسویله مزدوران اعدام شدند.

در ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۲ مبارز انقلابی منطقی شماعیان طی یک نبرد مسلحانه با مزدوران رژیم شاه شهادت رسید.

در ۸ بهمن ماه ۱۳۵۲ یکی از برجستهترین تنوریسین های جنبش کمونیستی ایران حمید مومنی طی یک نبرد مسلحانه خیابانی شهادت رسید.

در بهمن ماه ۱۳۵۲ فدائیان خلق، مصطفی ذبیق همدانی و محمد رضا هزارخانی طی یک نبرد مسلحانه با مزدوران رژیم شاه شهادت رسیدند.

در ۹ بهمن ماه ۱۳۵۵ یکی از کادرهای برجسته فدایی رفیق کیومرث سنجری طی یک نبرد مسلحانه با مزدوران رژیم دیکتاتوری شاه در مشهد شهادت رسید.

در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ و طی قیام مسلحانه مردم تهران فدایی خلق بابک سیلابی در حمله با پادگان عشرت آباد، فدایی خلق خسرو پناهی در حمله به کلانتری ۶ تهران و محمد علی ملوکتویان یکی از چهره‌های انقلابی زندانهای شاه در حمله به پادگان جمشیدیه و نیز رفیق قهرمان قاسم سیادتی عضو مرکزیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در جریان فتح مرکز رادیو شهادت رسیدند.

در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۸ چهار آدرخش شب ترکمن، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی بدست مزدوران رژیم ارتجاعی خمینی بخون تپیده و شهادت رسیدند.

در بهمن ماه ۱۳۵۹ کارگر فدایی جهانگیر قلعه میانداوب (جهان) یکی از فرزندان دلیر خلق آذربایجان بدست مزدوران رژیم شهادت رسید.

در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ مجاهد کبیر و یکی از ارزشمندترین کادرهای جنبش انقلابی مسلحانه خلقهای ایران، فرزند دلیر خلق آذربایجان موسی خیابانی و نیز سمیل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی بهمراه ۱۷ تن از کادرها و اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران طی یک نبرد قهرمانانه شهادت رسیدند.



مجاهد شهید اشرف ربیعی / مجاهد شهید موسی خیابانی

در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۱ یازده تن از پیشمرگان قهرمان فدایی تحت فرماندهی شهید قهرمان، فدایی خلق سعود رحمتی فرزند دلیر خلق کرد طی درگیری با مزدوران رژیم شهادت رسیدند.



فدایی شهید رفیق سعود رحمتی



جاودان بان خاطره همه شهیدای  
بخون خفته خلق

## نگاهی به آئین نامه

**اعزام دانشجویان به جبهه** از صفحه ۱۲

رژیمی که مدعی بود "امت حزب الله" آزادانه و با خواست خودشان به "دفاع مقدس" ادامه میدهند، حالا به چنان بن بستى در امر بسیج نیرو رسیده است که مجبور شده است به مراکز دولتی و از جمله دانشگاهها روی آورد. دانشگاهها که بواقع در طول چندین سال حکومت سیاه خمینی به محل تاخت و تاز مزدوران رژیم مبدل شده است و بجای فراگیری دانش به محل اختناق و سرکوب هر چه بهتر سرمایه‌های این مملکت تبدیل شده است. باز، ناقوس شوم جنگ در آن بعدا در آمد و اینبار طرح رفتن اجباری دانشجویان به جبهه‌های مرگ و نیستی مطرح شد. "سندس دانش" جنایتکار معاون امور جنگ وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم که سخنان وی در کیهان سه شنبه ۲ آذر ماه ۶۶ بچاپ رسیده است می‌گوید: "کلیه مشمولان طرح باید خدمت ۶ ماهه را انجام دهند زیرا ادامه تحصیل آنان منوط به ارائه گواهی پایان این دوره است و دانشجویانی که در موعد مقرر خود را معرفی نکنند غایب محسوب شده و با آنان مانند قادیان رفتار میشود." این مزدور همچنان که از سخنانش پیداست سعی می‌کند با تهدید و ارعاب به اینکه: "افرادی که خود را معرفی نکنند با آنان مانند غاشبین رفتار میشود. آنها را وادار کند تا بدون هیچگونه مقاومتی به این خواست دجالانه تن در دهند. وی در ادامه می‌گوید: "طرح اعزام ۶ ماهه دانشجویان، فقط دانشجویان پسر مشمول طرح بوده و برای دختران دانشجو آئین نامه‌های جداگانه‌ای به منظور خدمت در پشت جبهه تدوین و متعاقبا اعلام می‌گردد." اینجاست که بخوبی میتوان نشان داد که رژیم چقدر در فشار کمبود نیروست. بحدی که مجبور است برای اینکه بتواند احتیاجات نیروی انسانی جبهه‌اش را تأمین کند، دست به اعزام دختران به جبهه‌های جنگ می‌زند. این مزدور می‌گوید: "اعزام دانشجویان هر سال در دو نوبت صورت می‌گیرد که در دوره اول، از اول شهریور تا ۳۰ اسفند و دوره بعد از اول اسفند تا ۳۰ شهریور سال بعد تعیین شده است." پس در اینصورت در می‌یابیم که رژیم در تمام طول سال دست به اعزام جوانان و دانشجویان کشور به تنور جنگ خویش خواهد زد. طرحی که نتیجه‌ای جز کشتار هر چه بیشتر سرمایه‌های مردم ایران را در بر نخواهد داشت. بواقع میتوان این حرکات رژیم را دور جدیدی از اعزام نیروهای جوان کشور به جبهه‌ها دانست که در آن رژیم خمینی هر چه بیشتر و بتمام معنا سیستم و دستگاه حکومتش را نظامی‌تر میکند تا بتواند چند امباهی بیشتر به عمر ننگین خود ادامه دهد. چیزی که رژیم خمینی بدون آن نخواهد توانست زنده بماند. سلما دانشجویان و هنرجویان ایرانی با شناخت این طرح ضد خلقی در مقابل آن خواهند ایستاد و آنرا به شکست خواهند کشاند.

**در تکمیل روتوزیع  
آثار سازمان  
بکوشید**



شهدای فدایی  
بهمن ماه

برای فتح قله های  
پروا دلت عشق؛  
عشق به آزادی؛  
عشق به مردم؛  
عشق به برابری؛  
یامرگ یاسپیزی.

رفقا:

ابراهیم پوررقا خلیق - سعید پایان - فتحعلی  
پناهیان - عبدالحمید پیرزاده جهرمی - سعید  
پرورش - فاطمه افرینیا - جعفر محتشمی - پوران  
یدالهی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام  
کیومرث سنجری - حسن فرجودی - حسین جوخاجی  
کاویس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوآب (چپان)  
فرشاد مرعشی - حمید مومنی - محمد علی خسروی  
اردبیلی - قاسم سیادت - بابک سیلابی - خسرو پناهی  
مهدی اقتدارمش - حسن نیک ترام - بهروز عیسی  
محمد جواد عرفانیان - محمد امین نورانی - اکبر  
پارسی کیا - عباس تبریزی - محمد علی ملکوتیان  
مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی مینام  
قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی  
مراد میرزایی - اسعد بزدانی - اسماعیل بزرگسر  
فریدون پناهی - فاطمه محمدی - محسن نوربخش  
حسین توسلی - فرزوس آقا ابراهیمیان - میر محمد  
درخشنده (توماج) - عبدالحمید سختم - طواق محمدی  
حسین جرجانی - خسرو گلرخی - کرامت دانشیان  
در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی  
برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرا  
دمکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تا کنون  
بشهادت رسیدند.

امام در سبیل؟!!

" دختر دانشجوی ایتالیایی با پوشش کامبل  
اسلامی در جلسه امتحان دانشگاه سمیل حاضر  
میشود. استاد میگوید: این چه سر و وضعی است  
که داری؟ دختر میگوید: مسلمان شده ام. پروفیسور  
فریاد میزند، ای وای (امام) خمینی به سبیل هم  
آمده است؟"  
در صفحه ۸

با کمک های مالی خود سازمان را در  
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهمان مبارز  
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه  
انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما  
نیازمند است.  
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با  
استقیما بدست ما برسانید و با به حساب بانکی  
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه وارز کسره  
وقیش رسید و با فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی  
سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک  
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک  
03760 کد گیته  
00050097851 شماره حساب  
MME. R.-T.-TALAT نام صاحب حساب

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

۱۳۱۲ - انتشار نخستین شماره مجله دنیا به همت  
دکتر تقی ارانی  
۱۳۱۲ - درگذشت عارف قزوینی شاعر و ترانه سرای  
بزرگ معاصر  
۱۳۱۸ - شهادت انقلابی کومنیست، دکتر تقی ارانی  
بدست مزدوران رژیم رضا شاه  
۱۳۲۴ - تشکیل جمهوری خودمختار مهاباد به رهبری  
پیشوا قاضی محمد  
۱۳۲۷ - تیراندازی ناصر فخرانی به شاه خائن  
۱۳۲۷ - غیر قانونی شدن حزب توده به دستور شاه خائن  
۱۳۴۰ - حمله چتریانان رژیم شاه به دانشگاه  
۱۳۴۹ - رستاخیز سهاکل و تولد جنبش نویسن  
کومنیستی ایران  
۱۳۵۲ - اعدام ۶ تن مجاهد از گروه ابوذر  
۱۳۵۶ - قیام خونین مردم تبریز  
۱۳۵۷ - کشتار مردم تهران بوسیله دولت نوکر بی  
اختیار، به اختیار در میدان انقلاب  
۱۳۵۷ - بازگشت خمینی به ایران  
۱۳۵۷ - پایان ماموریت هویور در ایران  
۱۳۵۷ - حمله گارد جاویدان شاه به نیروهای مردمی  
ارتش در یادگان نیروی هوایی  
۱۳۵۷ - قتل مردم ایران و سقوط قطعی و غیر  
بازگشت نظام فاشیستی  
۱۳۵۷ - گشایش سفارت انقلاب فلسطین در محل سابق  
سفارت اسرائیل  
۱۳۵۸ - تحمیل جنگ دوم به خلق ترکمن  
۱۳۶۰ - شهادت بیش از ۱۵۰ مجاهد و مبارز در زندان  
اوین به پاس ادای احترام به جسد موسی خیابانی  
۱۳۶۰ - شهادت مجاهد کبیر موسی خیابانی و سبیل  
زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی و جمع دیگری از  
مجاهدین خلق  
۱۳۶۱ - حمله مزدوران رژیم خمینی به سه روستای  
کلبرضا خان، سرچنار و سوزی در کردستان  
خارجی:

۱۶۰۰ - به آتش کشیدن جوردارنویزوتو، کشیش آزاد  
اندیش ایتالیایی بدست کلیسای کاتولیک  
۱۷۷۰ - تولد فردریک انگلس در صفحه ۹

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات  
سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر  
مکاتبه کنید.  
HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات  
سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

گرواعی باد روز ۲ بهمن

سالروز جمهوری خودمختار کردستان

دوم بهمن ماه امسال مصادف با چهل و دومین  
سالروز برپایی جمهوری خودمختار کردستان است.  
۲۲ سال پیش در دوم بهمن قاضی محمد رهبر همیشه  
جاوید خلق کرد تشکیل جمهوری خودمختار کردستان  
را در شهر مهاباد اعلام نمود. تشکیل جمهوری خود  
مختار در آن مقطع علاوه بر انگیزه و مبارزه مسلح  
کرد برای رهایی ملی، نتیجه یک سری تغییرات و تحولات  
ملی و بین المللی از جمله سقوط استبداد رضا خان  
و شکست فاشیسم بود.

با برپایی جمهوری خودمختار کردستان ملت کرد  
به یکی از آرزوهای دیرینه خود رسید. دولت خود  
مختار کرد بزودی اقدام به اصلاحاتی در جهت رشد  
فرهنگ ملی و بهبود وضع توده های زحمتکش کردستان  
نمود. به زبان کردی در مدارس رسمیت بخشید  
ایستگاه راهمایی و چاپخانه های تاسیس کرد و روزنامه  
و مجله هایی با زبان کردی منتشر شدند. دهقانان  
و شهیدستان کرد تا اندازه ای از زیر فشارها و گردن  
کشیدهای خانگی فارغ گشته و بهره مالکانه تا حدی  
تقلیل یافت.

هنوز یکسال از عمر جمهوری نوپای کردستان  
نگذشته بود که ارتش ضد خلقی شاه بدستور اربابانش  
عازم پایتخت جمهوری شده و با اشغال آن به عمر  
اولین حکومت ملت تحت ستم کرد پایان داد. جمهوری  
کردستان شکست خورد، اما مبارزه تداوم یافت.

تدارک، استقرار و شکست جمهوری کردستان  
در سها و تجارب گرانقدری را برای خلق کرد  
یادگار گذاشته است. امروز فرزندان دلیر کردستان  
مشعلی را که قاضی محمد افروخت همچنان شعلهور  
نگاه داشته اند. در پیکار سخت و بی امانشان با رژیم  
خمینی بیش از هر زمان دیگری تجارب چندین ده  
مبارزه و شکست و پیروزی را بکار خواهند بست.

امروز سرنوشت جنبش ملی - دمکراتیک خلق  
کرد به پیروزی یا شکست مقاومت مسلحانه سراسری  
بستگی دارد. رژیم خمینی قادر به تحمل کوچکترین  
آزادیها و حقوق دمکراتیک نیست و هرگز خواست  
عادالانه خلق کرد را به رسمیت نخواهد شناخت. بنا  
بر این مردم و پیشمرگان کردستان با این رژیم هیچ  
گونه سر سازی ندارند. سازش و مذاکره با رژیم  
خمینی مرایی بیش نیست. این مهمترین درسی است  
که از چندین سال مبارزه خونین گرفته شده است.

نگاهی به آئین نامه

اعزام دانشجویان به جبهه

رژیم خمینی پس از ۷ سال جنگ خانمانسوز که  
تمام سرمایه های مردم ایران را در آن به نابودی  
کشاند، همچنان خوی جنگ طلبی اش اوج میگیرد.  
اما هر چه این رژیم بیشتر بر طبل جنگ میکوبد،  
واکنش مردم نسبت به آن منفی تر و برخورد با مساله  
جنگ را بهتر مد نظر قرار می دهند بطوری که  
خانواده ها سعی میکنند قبل از اینکه موعد سر سازی  
فرزندانشان فرا برسد، آنها را از کشور خارج کنند.  
در صفحه ۱۱